

شمار آوارگان کرد عراقی به ۱۵۰ هزار تن رسیده است

گور جمعی به خاک سپرده شده اند - ابعاد این قتل عام رami تواند تصویر کند.

خلق کرد تاکنون به دفعات توسط رژیم های ارتجاعی عراق، ایران و ترکیه کشتار شده است. اما بنا به اخباری که در رسانه های خبری جهانی بازتاب یافته است، کشتار اخیر یکی از مخوفترین موارد کشتاری است که تاکنون خلق کرد با آن مواجه شده است.

مطابق آخرین گزارشها آمار آوارگانی که توانسته اند خود را به خاک ترکیه برسانند به ۱۵۰۰۰۰ نفر رسیده است. این در حالی است که برای آنان در ترکیه نیز وضعیت طاقوت فرسائی در انتظار است. سازمانهای بین المللی کمک رسانی گزارش کرده اند که رژیم ترکیه در راه رساندن کمک های غذائی و داروئی که از نقاط مختلف جهان ارسال می شود - به دست پناهندگان کرده، خرابکاری می کند. سازمان "مدیکو انترناسیونال"، که یک سازمان کمک های پزشکی می باشد، از آن جمله این سازمانها است.

بازتاب جنایات رژیم سفاک عراق در کردستان، در سطح جهان فوق العاده وسیع بوده است. افکار عمومی جهانی از این جنایات بیشتر مانده و از آنجا می کند.

بویژه انتشار خبرهای مربوط به استفاده بی پروا و گسترده از سلاحهای مختلف شیمیائی تکان دهنده بوده است. تعدادی از مراجع بقیه در صفحه ۳

قتل عام خلق کرد عراق توسط ارتش این کشور - که از اوایل ماه مرداد آغاز گردید ادامه دارد. ارتش عراق در این حمله ۱۶۰۰۰۰ سرباز را به کار گرفته است. علاوه بر این گارد ویژه ریاست جمهوری عراق به مثابه زبده ترین واحد جنگی این کشور نیز در عملیات علیه خلق کرد مشارکت دارد.

از آنجا که کل منطقه عملیات توسط ارتش عراق تحت محاصره کامل قرار دارد، اطلاع دقیق از تعداد قربانیان انبوه این قتل عام ناممکن شده است. اما تعداد ۱۳۰۰ قربانی غیر نظامی تنها در یک آبادی کردنشین به نام دهوک که در یک



دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۶۷ برابر ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۲۵

مذاکرات جمهوری اسلامی و عراق در نیویورک پی گرفته خواهد شد

در روز سه شنبه ۲۲ شهریور (۱۳ سپتامبر) ولایتی و طارق عزیز مجدداً به مدت ۲۰ دقیقه مذاکره مستقیم داشتند. در این جلسه نیز عراق مصر بود که مذاکرات باید در ژنو ادامه یابد. در روز بعد موضع عراق نرم تر شد. عراق اعلام کرد که مذاکرات اساساً باید در ژنو صورت گیرد، با انتقال آن به نیویورک به صورت موقت موافق است و انجام مذاکره در نیویورک را به تعیین تاریخ پی گرفتن مذاکرات در محل فعلی بقیه در صفحه ۳

در روز شنبه ۱۹ شهریور (۱۰ سپتامبر) ولایتی و طارق عزیز وزرای خارجه جمهوری اسلامی و عراق، پس از دو هفته که مذاکرات مستقیم قطع شده بود، حاضر شدند به مذاکره رودر رو تن دهند.

مذاکره روز ۱۹ شهریور ۴ ساعت بطول انجامید. هدایت آن بر عهده الیاسون سفیر سوئد در سازمان ملل بود که از سوی پرز دو کوئیار، دبیرکل سازمان ملل سرپرستی مذاکرات ژنورا بر عهده گرفته است.

موضوع اصلی بحث در جلسه ۱۹ شهریور، انتقال محل مذاکرات از ژنو به نیویورک بود. در روز ۲۲ سپتامبر قرار است مجمع عمومی سازمان ملل متحد آغاز به کار کند و به همین خاطر پرز دو کوئیار و الیاسون در هفته گذشته مصر بودند که در مورد انتقال محل مذاکرات به نیویورک سر بهتر تصمیم گرفته شود جمهوری اسلامی با این امر موافق است، اما عراق در جلسه ۱۹ شهریور حاضر به پذیرفتن این موضوع نشد.

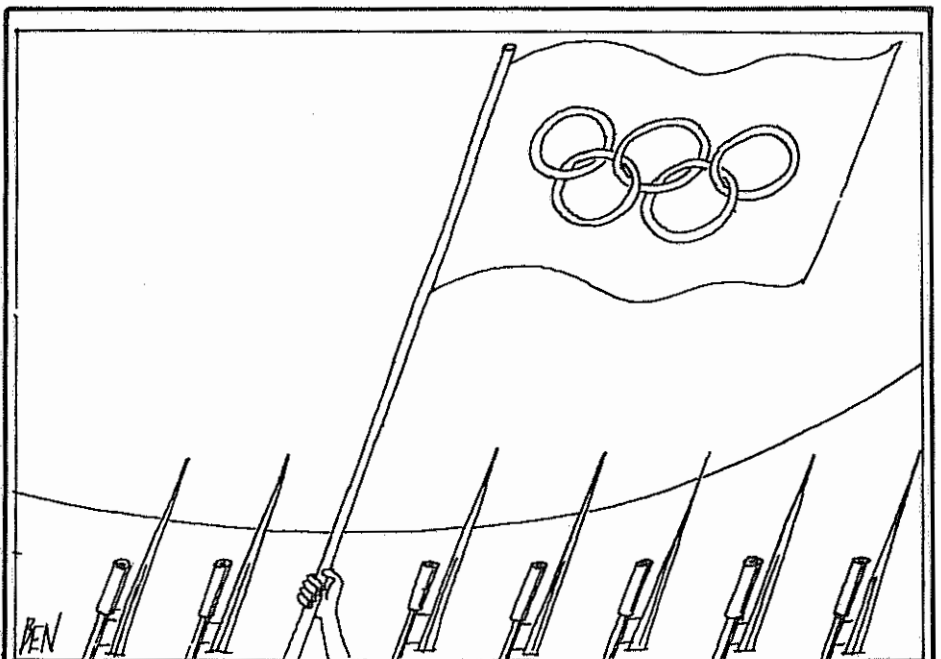
رای اعتماد مجلس به کابینه موسوی، سرپوشی مشبك بر بحران

از وزرای معرفی شده از سوی نخست وزیر قربانی شدند و سه تن دیگر از وزیران نیز بدون گرفتن رای اعتماد بازگشتند. رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران، اکرمی وزیر آموزش و پرورش و زالی وزیر کشاورزی و آرای کافی نمایندگان مجلس را برای ادامه کار به دست نیاوردند. علاوه بر این مجلس کار بررسی صلاحیت وزرای جهاد سازندگی، نیرو و بزرگانی را به بعد موکول کرد و آنها بدون اخذ رای اعتماد روانه جلسه هیات دولت شدند.

دولت شکسته بسته میر حسین موسوی که پس از پایان یافتن این تشریفات کار دوباره را آغاز کرده است، با کوهی از وظایف تازه روبروست که باید توانایی پاسخدهی به آنها را بیاید و بتواند خود را با ملزومات مبرم کنونی انطباق دهد.

طراحان سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی، در دوران "بازسازی" همه اجزاء اصلی سیاست خود را، در ادامه منطقی سیاست پیشین، بازسازی کرده اند. انطباق ارگانهای اجرایی کشور با نیازهای این سیاست بازسازی و یافتن مناسب ترین مجریان برای پیشبرد آن کاری آسان نیست و بویژه در حکومت بصران زده بقیه در صفحه ۲

بالاخره در روز سه شنبه ۲۲ شهریور ماه جریان پرتنش اخذ رای اعتماد کابینه میر حسین موسوی از مجلس اسلامی پایان یافت و موسوی راهی کاخ نخست وزیری شد؛ سردرگریان که با مشکلات پایان ناپذیر رژیم فقها چه کند، در مجلس سه تن



المپیک در سایه سرنیزه - در هفته گذشته بازی های المپیک در سئول آغاز شد. در این شماره "اکثریت" هم برای آشنایی بیشتر با کشور میزبان این بازی ها و هم المپیک به مثابه یک رویداد بزرگ جهانی در زمینه ورزش، مقالاتی درج شده است که در صفحات ۸ و ۹ می خوانید.

شعری که زندگی است

سروده ای از احمد شاملو

در صفحه ۶

در حاشیه اعلام پیروزی خط گنشدرد قبال جمهوری اسلامی

"ایران در پرتوی تازه"

بنیادگرایی اسلامی او متفق القول بوده اند. تنها هانس دیتريش گنشر و دیپلماتهای پیرامون او با رژیم ملاها در تهران خوش و بش می کردند و به این خاطر باعث ناراضی برخی از دوستان خود می شوند.

ابراز آمادگی ناگهانی ایران برای پایان دادن به جنگ خلیج و در این روزها مشارکت حکام تهران در آزاد کردن رودلف کاردس که در بیروت گروگان گرفته شده بود، موجب آن شد که از تناسب نیروها در تهران ارزیابی تازه ای به عمل آید.

در ظل قدرت فائقه خمینی، که البته دیگر قدر قدرت نیست، بدون سروصدا گروهی از سیاستمداران ایرانی سر بر آوردند که می خواهند از فراز مانع بنیادگرایی اسلامی عبور کنند. افراد تازه به هیچ رو بر آن نیستند که بر روی فرهنگ غربی آفوش بکشایند. آنها همچون رقبای سنتی خود در کشور طرفدار اصول انقلاب اسلامی اند. آنچه که آنها را از طایفه خمینی متمایز می سازد مصمت گرایی و واقع بینیشان است.

سیاست گنشر تاکنون معطوف بدان بوده است که این جماعت را که حول رفسنجانی، رئیس مجلس، حلقه زده اند تقویت کند. حمایت تهران از تلاش برای آزادی کاردس، ابراز امتنان از این سیاست بوده است. آنها بدون چشم داشت مادی در آزادی کاردس مشارکت ورزیده اند. بن در عوض می گوید تهران را از انزوای سیاسی به در آورد و بدینوسیله زحمات حکام تهران را جبران کند.

البته اگر پای قضیه کاردس هم در میان نبود، سیاست بن در قبال خاور نزدیک همین سمت و سورا داشت. ایران در منطقه بحران زده خاور میانه آنگنان وزنه ای است که نمی توان آن را نادیده گرفت. چشم پوشی از تهران خلاف شرط دوراندیشی است.

اما قضیه کاردس برای گنشر فایده ای واقعی به بار آورد: او در آینده چه در بن و چه در واشنگتن دست بازاری برای پیشبرد سیاست های خود دارد.

برداشت تازه از ایران، دارای یک تاثیر جنبی مهم است. دنیای غرب دیگر نباید به بهانه این که عراق دارای یک "ممسایه شرور" است بر عملکردهای رهبری عراق چشم پوشی کند."

امپریالیستی با جمهوری اسلامی را ارتقای بیشتری دهد.

در هفته گذشته مطبوعات آلمان فدرال با انگیزه آزاد شدن کاردس از اسارت حزب الله با وساطت جمهوری اسلامی مقالات متعددی در رابطه با مناسبات کنونی بین بن و تهران درج کردند. ما از میان این مقالات، نمونه ای را برای منعکس کردن در نشریه برگزیده ایم که به نحوی روشن، آنچه را که در بالا بدان اشاره داشتیم، مستدل می سازد. عنوان این مقاله کوتاه "ایران در پرتوی تازه" است که در شماره ۱۶ سپتامبر روزنامه "کلنیشه روندشوا" به چاپ رسیده:

"تصویری که تاکنون مردم آلمان فدرال از ایران داشته اند، آشکارا متغی بوده است. همه با هر اندیشه ای در مطرود دانستن آیت الله خمینی فرتوت و

برود. در صف بندیهای کنونی اختلافات ژرف تر و تصادمات شدیدتر است زیرا که مورد نزاع نحوه انجام وظایف برای دگرگونی های اساسی اقتصادی و سیاسی است. بحران کابینه موسوی اگر چه ریشه در اختلافات و ستیزهای پیشین جناحهای حکومتی نیز داشته، اما بیش از آن نشانه پدیداری شکافهای تازه و صف بندیهای تازه ای است که در آینده با اشکال دیگری و با شدت بیشتری نمایان خواهد شد. رای اعتماد مجلس به کابینه موسوی نمی تواند سرپوشی بر این بحران باشد.

بخشی از نامه موسوی به خامنه ای

نخواهند آورد و معنای این شرایط آن است که دولت در وضعیت کنونی کشور در تعدادی از وزارتخانه های حساس برای مدت نامعلومی وزیر نداشته باشد. با توجه به جمع جهات ذکر شده و نیز مشکلات انتخاب وزراء با نهایت به عدم تفاهم فیما بین که در انتخاب هر فردی بروز می نماید (که حتی در مواردی انتخاب یک وزیر به بیش از یک سال انجامیده است)... استعغای خود را تقدیم مینمایم...

خمینی را هلنی می کند و البته در این راستا بدان نیاز دارد که افکار عمومی را برای گسترش مناسبات با رژیم آماده سازد. دیگر همه بر "محسنات" رژیم خمینی انگشت می گذارند و این که جمهوری اسلامی آنقدرها هم که می گفتند بدنیت و دست کم این که هائتر و بهتر شده است!

در این رابطه بسیاری از سیاستمداران غربی ستایشگر خط گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال در قبال جمهوری اسلامی شده اند. گنشر بازیرکی تمام همواره مناسبات حسنه بن و تهران را حفظ و رابطه آلمان فدرال با جمهوری اسلامی را به مهمترین خط ارتباطی بین غرب و رژیم خمینی تبدیل کرد. او تصمیم دارد در زمستان امسال برای دومین بار به تهران سفر کند و سطح مناسبات آلمان فدرال و کلیت جهان

حد پیشرفته ای است. شرایط تازه،

امکانات متفاوتی از پیش برای هر یک از اقشار سرمایه دار هرزه می کند. این سرچشمه تغییر آرایش در مناسبات آنان است که تاثیر خود را در آرایش سیاسی نیز بر جای می نهد و از هم اکنون نیز در طراحی سیاست بر جای نهاده است.

محور ملی که این تغییر را مطالبه می کند چنان نیرومند است که شکافهای پیشین در هیات حاکمه رژیم فقها را در می نوردد. صف بندیهای پیشین به زیر سایه می روند، بی آنکه صف بندیها از میان

در هفته گذشته رودلف کاردس از مدیران شعبه خاور میانه انحصار آلمانی هوست پس از بیست ماه از اسارت حزب الله در لبنان رهایی یافت و پس از انتقال به سوریه به آلمان فدرال بازگشت. دولت آلمان فدرال اعلام کرد که جمهوری اسلامی نقش ویژه ای در آزادی کاردس داشته و این امر موجب امتنان فراوان این دولت گشته است. برخی از مطبوعات آلمان فدرال کوشیدند آزادی کاردس را نقطه عطفی در مناسبات بن و تهران بنامند و چنین وانمود کنند که از این پس باید به چشم دیگری به جمهوری اسلامی نگریست. اما واقعیت این است که کشورهای غربی شاید بتوان گشت مقدم بر همه آلمان فدرال مدتهاست که به چشم دیگری به جمهوری اسلامی می نگرند. غرب اکنون مناسبات پنهانی خود با رژیم

رای اعتماد مجلس...

بقیه از صفحه اول

سرشار از شکاف جمهوری اسلامی انجام آن بغایت صعب و دشوار می شود. این امر سرچشمه تازه ای برای بروز تنش های تازه در درون رژیم است که استعغای موسوی و ناتوانی در تعیین ترکیب کابینه از جمله موارد تجلی آن بوده است.

برای رژیم جمهوری اسلامی مناسبات با دولتها و انحصارات امپریالیستی وارد مرحله نوینی می شود. هر روزه گروه گروه نمایندگان انحصارات امپریالیستی یا برای تحقیق و یا برای انعقاد قرارداد وارد تهران می شوند آنها را نمی توان زیاد منتظر نگذاشت. کار بسط مناسبات با دولتهای امپریالیستی باید شتاب بیشتری داده شود. ابهامات موجود در ترمیم مناسبات با آمریکا باید زدوده شود. مفاد پیامهای متعددی که به گفته مقامات رژیم در ماههای اخیر میان طرفین ردو بدل شده است باید به اجرا در آید. لازمه راه اندازی مطابق ظرفیت اقتصاد وابسته به انحصارات امپریالیستی ایران، به راه اندازی مناسبات سیاسی با دولتهای امپریالیستی در

... مسعود روحانی زنجانی در روز ۶۷/۶/۱۳ از مسئولیت وزارت برنامه و بودجه استعفا داد و این استعفا در شرایطی است که تصمیم گیری برای انتخاب وزرای نیرو، جهاد سازندگی و بازگانی هنوز مبهم است. با توجه به جهت گیری روشن مجلس در امور مختلف و اطلاعاتی که از داخل مجلس محترم در دست است، احتمالا بین پنج تا هشت وزیر از افراد معرفی شده رای لازم را برای ادامه مسئولیت بدست

شماره آوارگان کرد عراقی

به ۱۵۰ هزار تن رسیده است

بقیه از صفحه اول

بین المللی و سازمان های حقوق بشر و همچنین برخی از دولت ها در برابر آنچه که در کردستان عراق می گذرد موضع گرفته اند. دولت عراق در مواجهه با فشار افکار عمومی جهانی، راه انکار و دروغ را در پیش گرفت.

مدنان خیرالله وزیر دفاع عراق طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی منکر قتل عام غیر نظامیان و منکر کاربرد سلاح های شیمیایی گردید. رژیم رسوای عراق پیش از این نیز در هنگام فاجعه حلبچه و قتل بیش از ۵۰۰۰ نفر از اهالی این شهر در اثر سلاح های شیمیایی بی پروا بروز این رویداد مولناک را تکذیب کرده بود. در پی تکذیبیه اخیر رژیم عراق، هم تایان وی یعنی رژیم ترکیه و دولت های ارتجاعی منطقه به یاریش آمدند. آنان با تایید دهاوی بیشمارانه رژیم عراق کوشیدند بر جنایات این رژیم در

کردستان پرده ستر افکنند. این در حالی است که رژیم صدام حسین قاطعانه با ورود هیات های تحقیق بین المللی به کردستان مخالفت ورزید. هفته گذشته سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی خواستار ورود هیات تحقیق از سوی این سازمانها به عراق شده بودند، اما دولت عراق با این خواستها موافقت نکرد.



صحنه ای دردناک از بمباران شیمیایی حلبچه توسط رژیم عراق

حرکت های اعتراضی علیه کشتار کردها

شروع و بسط سفارت رژیم عراق پیش می رفت با دخالت پلیس بریتانیا متوقف شد.

تظاهرات علیه جنایات رژیم عراق در کردستان، در روزهای آتی نیز در شهرهای مختلف جهان برگزار خواهد شد که از جمله آنها تظاهراتی است که در روز ۲۴ سپتامبر در ابرت پلاتز شهر کلن (آلمان فدرال) برپا خواهد شد.

در این تظاهرات علاوه بر تعدادی از سازمانهای سیاسی ایرانی، برخی از شخصیت های هنری، اجتماعی و سیاسی آلمانی و چند حزب و سازمان سیاسی منجمه حزب کمونیست آلمان (فدرال)، حزب سبزها، حزب سوسیال دمکرات آلمان (فدرال) شرکت خواهند داشت.

کشتار کم سابقه کردهای عراق، انزجار عمیق مردم جهان را برانگیخته است. کردهای مقیم کشورهای مختلف با برگزاری تظاهرات و گرد همایی های افشاگرانه ضمن بیان خشم و نفرت به حق خود از رژیم جنایتکار عراق، جهانیان را به دفاع موثر از خلق ستمدیده کردها دعوت کرده اند.

در روز سه شنبه هفته گذشته حدود ۱۵۰ تظاهر کننده کرد در اعتراض به این کشتار وحشیانه مسیرهای ورود به مقر سازمان ملل در ژنو را مسدود کردند و خواهان اجازه ورود به صلیب سرخ برای رفتن به کردستان شدند.

در لندن صد ها کربان پرایی یک تظاهرات به کاربرد سلاح های شیمیایی علیه کردهای عراق اعتراض کردند. راهپیمایی تظاهر کنندگان که از کنار مای پارک لندن

مذاکرات جمهوری ۰۰۰

بقیه از صفحه اول

مشروط نمی سازد. عراق اما با انجام مذاکره در نیویورک همزمان با شروع به کار مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موافقت نکرد. بهانه دولت عراق این بود که طارق عزیز تا پیش از هفته اول ماه اکتبر نمی تواند به نیویورک سفر کند و لازم است که در این مدت، به امور دیگری بپردازد.

در جریان و در فاصله مذاکرات هفته گذشته وزرای خارجه هر دو رژیم طرف مقابل را بدان متهم کردند که در پیشرفت مذاکرات کارشکنی می کند و حاضر به پذیرش صلح نیست. این جنگ تبلیغاتی منعکس کننده فضای حاکم بر مذاکرات در ژنو است که دچار بن بست گردیده.

امید می رود که در نیویورک دست کم توافقی عمومی بر سر چارچوب مذاکرات، به عمل آید.



...و صحنه در دناک دیگری از جنایات جمهوری اسلامی در کردستان ایران :
کودکی قربانی بمباران یک روستای کردستان در سال ۱۳۵۹

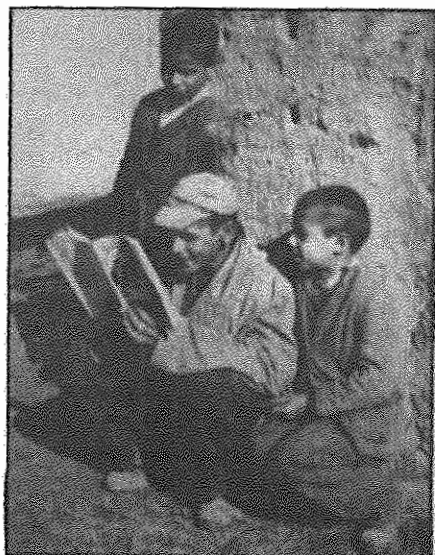
پیروزی مبارزات خلق کرد در راه تامین حق تعیین سرنوشت!

معاملات در بازار بورس تهران از سر گرفته شد

مدیرعامل بانک صنعت و معدن در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: "از ساعت ۹ صبح سه شنبه ۱۵ شهریور ماه سالن معاملات بورس تهران رسماً کار خود را با فروش سهام ۹ واحد صنعتی سودده آغاز کرده است. براساس گزارش خبرنگار اقتصادی کیهان، "در سالن بورس تهران فروش سهام بصورت کامپیوتری بوده و خریدار در مدت ۳۰ ثانیه دهها مورد اطلاعاتی را دریافت کرده و سپس اقدام به خرید سهام خواهد کرد". هر سه سهام در سالن بورس تهران به روش فروش به بالاترین قیمت پیشنهادی است و در همین حال برای سهام هرکارخانه قیمت پایه در نظر گرفته شده است. نوع واحد و میزان قیمت پایه سهام چند واحد ارائه شده در سالن بورس تهران به قرار زیر می‌باشد: "کارخانه قند ثابت خراسان ۳ هزار ریال، نساجی بو جرد ۱۴ هزار ریال، آبسال تهران ۳ هزار ریال، پارس الکتریک تهران ۴ هزار ریال، تولیدی بهمن تهران ۲۳۰۰ ریال، الکترو شیراز ۱۵ هزار ریال، لوازم برقی اتومبیل رشت ۲۰ هزار ریال".

مسئله بازسازی و اخذ وام از خارج

کیهان ۱۹ شهریور - میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم در مصاحبه‌ای با نشریه "میدل ایست اکونومیک دایجست" چاپ لندن به تشریح مواضع جمهوری اسلامی در قبال امر بازسازی اقتصادی و همومی کشور پرداخت. نخست وزیر رژیم ضمن اشاره بر لزوم ارتباط و



...فراستی یافته‌اند و کتابی و چنین سرشار از لذت در آن فرق شده‌اند. جمل پرستان حاکم راه بر فراگرفتشان، بر دانششان بسته‌اند. اما روح کنجکاویشان در پی فراگرفتن است و آنچه را که باید بدانند، استاد درخشوی زندگی به آنان خواهد آموخت!

گشایش چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی تهران

انگلستان می‌باشد. اتحاد شوروی، بلغارستان، چین، چکسلواکی، مجارستان، لهستان، رومانی و یوگسلاوی از دیگر شرکت کنندگان نمایشگاه تهران بحساب می‌آیند.

کشورهای غربی ۵۵ درصد از کل مساحت اختصاص یافته به کشورهای خارجی را به خود اختصاص داده‌اند. استقبال کشورهای امپریالیستی از نمایشگاه تهران به حدی است که در روزنامه دولتی اطلاعات ۲۰ شهریورماه درباره نمایشگاه تهران آمده است:

بایک نگاه اجمالی به چهره نمایشگاه در سال جاری می‌توان گفت که نسبت به سابق تغییرات زیادی کرده است. از جنبه کیفی آنچه تغییر کرده انتظارتی است که در هوا موج می‌زند، گاهی سوار بر امواج رادیویی از آنسوی مرزها می‌رسد و حال و هوایی است که پایان جنگ هشت ساله و احتمال آغاز ترمیم خرابی‌های جنگ در ماههای آینده پدید آورده است. این حال و هوا ظاهراً به هطر چندین ده میلیارد دلار معطر است و به زعم پیمانکاران خارجی بدون اینکه لازم باشد به یکدیگر تنه بزنند، به هر کس سهمی در خور هر ضمه و لیاقتش خواهد رسید...

چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی تهران روز ۲۱ شهریورماه گشایش یافت. نمایشگاه بین‌المللی تهران در سال جاری در قیاس با سالیان قبل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. "مشارکت" در امر بازسازی و بازآرایی کالادر شرایط پس از جنگ کشور، باعث آن گردیده است که کشورهای امپریالیستی از نمایشگاه امسال تهران استقبال ویژه‌ای بنمایند. در نمایشگاه بین‌المللی تهران، ۳۶ کشور شرکت دارند. براساس گزارش رسمی مسئولان رژیم، آلمان فدرال با اختصاص ۲۵۶۸ مترمربع به خود، بزرگترین شرکت کننده خارجی نمایشگاه سال جاری محسوب می‌شود. در میان کشورهای شرکت کننده، میتوان از ژاپن، انگلستان، استرالیا، اطریش، بلژیک، دانمارک، ایتالیا، ایرلند، کره جنوبی، هلند، نروژ، پاکستان، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، برزیل، فنلاند، هند، پرتغال، نیوزیلند نام برد. فرانسه نیز پس از ۹ سال فبیت، امسال در نمایشگاه بین‌المللی تهران حضور دارد. از سوی دیگر نزدیک به ۵۰۰ شرکت خارجی از کشورهای انگلستان، آلمان فدرال و تایوان بطور مستقل از فرفه‌های کشورهای خود، در نمایشگاه حضور دارند که از آن بین تنها ۱۰۰ شرکت متعلق به کشور

"قانون کار" در مجمع تعیین مصلحت نظام بررسی می‌شود

پیش نویس "قانون کار" جهت بررسی و تصمیم‌گیری تا پایان هفته جاری توسط کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، "به مجمع تعیین مصلحت نظام" تحویل داده می‌شود.

خبر فوق هفته گذشته از سوی کمالی رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس اعلام شد. کمالی علت بررسی قانون کار در "مجمع تعیین مصلحت" را وجود اختلاف نظر بین کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، شورای نگهبان و برخی از وزرای دست‌اندرکار در مسایل تولید و صنعتی ذکر کرد.

پیش نویسی که در اختیار "مجمع" قرار

گرفته است، آبان ماه سال گذشته در مجلس دوم شورای اسلامی تصویب شد. این لایحه هلیرقم همه خصوصیات ارتجاعی، از سوی شورای نگهبان رد شد و برای تضییقات بیشتر به مجلس هودت داده شد. حال بنابه گفته کمالی قرار است، مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد همین قانون کار جدید تصمیم بگیرد.

رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس در همین مصاحبه گفت در رژیم جمهوری اسلامی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی کمبود بودجه خود را با برداشت از حق درمان کارگران تامین می‌کند.

از سرگیری پروازهای "ایر فرانس" و "بریتیش ایرویز" به تهران

بریتیش ایرویز موثر اعلام کردند. "به گزارش خبرگزاری رویتر از پاریس، شرکت هواپیمایی ایرفرانس اعلام کرد که پروازهای منظم خود را به تهران از ماه آینده از سر خواهد گرفت. یک سخنگوی این شرکت گفت: پروازهای ایرفرانس به تهران که از ماه مارس ۱۹۸۵ به حالت تعلیق درآمده است، در پنجم ماه اکتبر با پرواز ایرباس به مقصد تهران از سر گرفته خواهد شد. از سرگیری پروازها در پی ملاقات اخیر لاریجانی معاون وزیر خارجه ایران با روکار نخست وزیر فرانسه صورت می‌گیرد.

* روزنامه‌های دولتی اعلام کردند که شرکت هواپیمایی انگلیس "بریتیش ایرویز" در نظر دارد پروازهای خود به تهران را از سرگیرد. یکی از مسئولان بریتیش ایرویز اعلام کرده است که شرکت هواپیمایی مسافربری انگلیس تمایل دارد هر چه زودتر پروازهای خود را به تهران از سرگیرد و این احتمال وجود دارد که این شرکت پروازهای خود به تهران را تا قبل از سال آینده میلادی از سرگیرد. مقامات انگلستان تسریع امر هادی شدن و گسترش روابط دو کشور انگلستان و جمهوری اسلامی را در از سرگیری پروازهای

گزارشی از ایران

در ماههای قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف جمهوری اسلامی، عقب نشینی و شکست‌های نظامی در جبهه‌های در پی بود. نظامیان می‌گفتند که ما فاو را با تلفات سنگینی و بصورت مخروبه تحویل گرفتیم ولی بعدا بصورت آباد شده و با بیمارستان مجهز که از "بیت‌الحال" مردم ساخته شده بود تحویل عراق دادیم. حقیقتا نظامیان ایرانی از بهارن شیمیایی وحشت زده بودند. این اواخر به شوخی گفته می‌شد فایده‌ای ندارد من جبهه بروم زیرا گازهای شیمیایی مثل سرباز عراقی نیست که من به سوی او شلیک کنم. سربازی تعریف می‌کرد که در عملیات مهران وقتی هواپیماهای رژیم عراق شروع به بمباران کردند اغلب سربازان از سنگرهایشان بیرون ریختند و به گمان اینکه بمبها شیمیایی هستند سنگرها را رها کردند. پدیده فرار از جبهه‌ها و عدم مقاومت عمومی تر شده بود. جمهوری اسلامی شهر حلبچه را که با دادن بالغ بر پنجمزار قربانی از مردم کرد این شهر متصرف شده بود بعد با اشاره کوتاهی در اخبار رسانه‌های رژیم آخوندها خالی شده اعلام کرد و دلیل را هم مصلحت اندیشی نام نهادند ولی در اصل توانایی نظامی حفظ شهر را نداشتند. این چنین عقب نشینی از حلبچه برای همه سؤال برانگیز بود. یک استوار ارتش می‌گفت که این مسئله ایست پشت پرده و ساخت و پاخت بین دو رژیم است می‌خواهند جنگ را تمام کنند و کشورهای خارجی پا درمیانی کرده‌اند. هنر حقیقی که در صحبت این ارتشی بود این بود که رژیم قادر به ادامه جنگ نیست. پس از خالی کردن حلبچه در اخبار و تبلیغات رژیم برخلاف معمول در

قبال جبهه‌ها سکوت شده بود و خبری از "انهدام سنگرهای جمعی" زخمی و کشته شدن افراد دشمن صهیونیستی و تبادل آتش در فلان و بهمان منطقه نبود تنها موضوعی که معمول شده بود اخبار عقب نشینی از فلان منطقه بنا به مصلحت بود این روزها جدا سؤال برانگیز بودند و هرکس از خود می‌پرسید که جریان چیست. برخی خوشحال بودند که اینان نمی‌توانند بیش از این بجنگند ولی برخی نگران آینده بودند که اگر جنگ شهرها مجددا شروع شود این بار شیمیایی خواهد بود. برخی هم که سلیقه نظامی‌گری داشتند می‌گفتند ارتش عراق مجهزتر شده است. سرباز وظیفه‌ای که در سپاه خدمت می‌کرد می‌گفت که به ما دستور دادند که ارتش مقاومت نمی‌کند و شما باید از فرار آنها جلوگیری کنید و جلو پیشروی را بگیرید ولی او می‌گفت کاری از ما هم ساخته نشد و ما هم به عقب نشینی مجبور شدیم. همین سرباز می‌گفت در عملیات بعدی در منطقه چنگوله به دستور فرمانده‌های بالا ما مجبور به عقب نشینی شدیم. یکی از فرماندهان گروهان سپاه موافق عقب نشینی نبود و از عقب نشینی گروهان دیگر جلوگیری نمود و شروع به تیراندازی و سدنمودن صفوف سربازان کرد. فرمانده گروهان دیگر با جیب خود را به عقب رسانده و در صد توضیح برآمد ولی بمحض سرباز آوردن از جیب کشته شد. پس از این واقعه این گردان هم از پائین تا بالا شروع به عقب نشینی کردند و دستور دادند تجهیزاتاتی که قابل حمل نیست منهدم نمایند ولی می‌گفت که ما حتی قادر نشدیم ماشین مهمات و خوار بارمان را نجات داده و یا منهدم کنیم. افراد این گروهان به مدت سه شبانه روز

در حال عقب نشینی بودند و بسیاری در گرمای تابستانی این منطقه از تشنگی از پا افتادند و سرانجام مابقی شان پس از سه روز خود را به منطقه ملک‌شاهی ایلام رساندند. دو یا سه روز قبل از اعلام پذیرش قطعنامه از سوی رژیم زافه مهمات "تنگه کیش" کرمانشاه در حدود ساعت ۹ صبح دچار حریق گردید. در اخبار رژیم هلت را گرمای هوا اعلام کردند. ولی بنا به گفته یک نفر سپاهی که خودش هم از منطقه در حال فرار بود، هلت انفجار زافه اختلافات در خود سپاه بود. حوادث بعدی این شایعه را قوت بیشتری بخشید. شکست‌ها و عقب نشینی‌های پی‌درپی نظامی در سرتاسر جبهه‌ها، تخلیه حلبچه، سقوط مهران، پیشروی نیروهای عراقی در منطقه چنگوله و مناطق جنوبی جبهه‌ها، فرار از جبهه‌ها، خاموشی یک هفته‌ای تبلیغات جنگی رژیم همه و همه نمونه‌های سؤال برانگیزی بودند. بالاخره در اخبار بعد از ظهر ساعت ۲ روز ۲۷ تیرماه ناگهان اعلام گردید که جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را خواهد پذیرفت ولی توضیح هلت پذیرش آن به مردم "نشد پرو" را به بعد موکول کردند. این خبر خوشحال کننده بود و آشنایان و نزدیکان به همدگر تبریک می‌گفتند ولی این خوشحالی در سطح شهرها نمود بیرونی نداشت فقط هنگام خرید مایحتاج خریداران هنگام پرسیدن قیمت به شوخی می‌گفتند قیمت بعد از پذیرش قطعنامه را بگو آقا. فروشنده‌گان هم با لحنی می‌گفتند بخیر و امشب خوشحال باشید که جنگ تمام می‌شود. البته هلی‌رقم این مردم نگران هم بودند زیرا به جمهوری اسلامی بدبین هستند و باورشان نمی‌شد اینان که ۸ سال شعار جنگ سر داده‌اند

چگونه تسلیم شده‌اند. نکته مهم دیگری که در بین مردم و افکار عمومی است اینست که با پذیرش قطعنامه اجناس باید از ان شوند این مسئله از نکات جالب است و در برخورد های مردم کاملا به چشم می‌خورد و برای رژیم از نکات مهم است که چگونه مردم را توجیه کنند. روز ۲۷ تیرماه در اخبار شامگاهی تلویزیون و رادیو اصلا کوچکترین نکته‌ای درباره پذیرش قطعنامه گفته نشد. این هم جالب بود. اخبارهای جمهوری اسلامی همیشه تکراری است ولی چرا در شب، اخبار ظنر مربوط به ۵۹۸ تکرار نشد. این برنگرانی می‌افزود صبح روز بعد رفسنجانی در مصاحبه شرکت کرده و او هم هلت پذیرش قطعنامه را فشار از بیرون خواند (منظورش آمریکا بود) و او نیز وعده داد در موقع لازم و مقتضی دلایل را برای مردم توضیح خواهد داد. روز بعد خمینی اعلام نظر کرد و کاسه زهر را نوشید و آبرویش را با خدا معامله کرد. شایع شده بود که رضایی گریخته ولی پس از اظهار نظر خمینی او نیز در صفحه تلویزیون ظاهر شد و بقول خودش به حرفهای "امام" لبیک گفت. قیمت اجناس هم در این زمان در بالاترین قیمت ممکن بود. دلار آمریکایی تا مرز ۱۵۰ تومان رسیده بود، طلا به گرمی ۱۸۰۰ رسیده بود پیکان به بالاتر از یک میلیون رسیده بود، اجناس لازمه منزل به سرحد انفجارش رسیده بود. شایع شده بود که نان خشک‌ها را هم نگه‌دارید این خبر بیشتر بین زنان خانه‌دار بود زیرا می‌گفتند ممکن است جنگ شدت یابد و نان کمیاب گردد. فرار سربازان پدیده عمومی شده بود در چنین شرایطی قطعنامه پذیرفته شد. ولی سؤال برانگیز بود که چگونه بدون زمینه‌چینی اعلام کردند؟

بازرگانی خارجی را ۲۰ درصد اعلام نمود، این در حالی است که بنا به اظهارات برخی از مسئولین، سهم عملی و واقعی بخش خصوصی در تجارت خارجی از محدوده اعلام شده توسط موسوی، فراتر خواهد بود. موسوی نخست وزیر در ضمن بر مسئله بازسازی صنایع کلیدی بمثابه اولویت در امر بازسازی تاکید ورزید. وی گفت: "بازسازی صنایع نفت و پتروشیمی و صنایع سنگین و ماشین سازی و تولید سیمان و نیز احداث نیروگاه‌ها جهت تامین نیازهای صنایع جدید در اولویت قرار خواهند داشت."

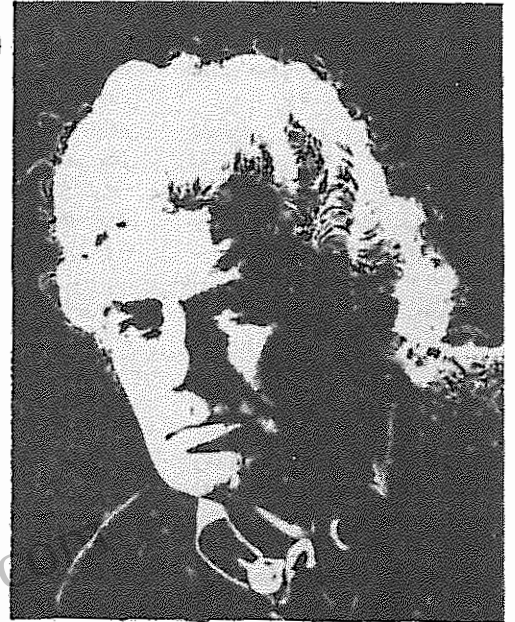
اعتباردهنده ارائه نکرد. نخست وزیر رژیم همچنین با اشاره به اظهارات اخیر خمینی در باره مشارکت بخش خصوصی در امر بازسازی اعلام نمود: "پس از توصیه رهبر انقلاب بلافاصله با همکاری وزرات بازرگانی طرحهایی در این زمینه آماده شده است. براین اساس با توجه به شرایط جدید اقدامات دولت در جهت تشویق بخش خصوصی و جلوگیری از تمرکز کامل فعالیتهای بازرگانی در دست بخش دولتی تسریع خواهد شد. اما دولت کماکان براین فعالیتها نظارت خواهد کرد." وی سهم بخش خصوصی در

همکاری جمهوری اسلامی با شرکت های خارجی به مسئله اخذ وام از خارج پرداخت و اعلام کرد که وامهای دریافتی جمهوری اسلامی از کشورهای خارجی باید به "پروژه‌های خاصی اختصاص پیدا کند." وی همچنین خاطر نشان ساخت که: "در این رابطه دولت بیشتر مایل است اعتبار یک ساله یا دو ساله بگیرد زیرا این گونه اعتبارات منجر به تعهدات مالی فزاینده و بیش از حد نخواهد شد." موسوی در این مصاحبه اطلاعاتی پیرامون "پروژه‌های خاصی" و نام کشورهای

شاملو در آلمان فدرال

شبی و روزی با «بامداد»

شبیانه‌هایش



از روز ۲۵ سپتامبر تا ۲ اکتبر به ابتکار اتحادیه نویسندگان آلمان (فدرال) کنگره‌ای برگزار می‌شود که عنوان آن "جهان سوم - جهان ما" است. به این کنگره که "اینترلیت - ۲" نام دارد، ۳۲ نویسنده از ۳۰ کشور جهان دعوت شده‌اند. احمد شاملو شاعر و محقق برجسته کشور ما، شرکت‌کننده ایرانی این کنگره خواهد بود. وی همچنین در روزهای ۲۷ و ۲۹ سپتامبر بترتیب در شهرهای ارلانگن و نورنبرگ آلمان فدرال برنامه شعرخوانی خواهد داشت که ورود آن برای تمامی علاقه‌مندان به ادبیات ایران آزاد است.

احمد شاملو شاعر گرانقدر میهن ما در سال ۱۲۹۴ در تهران تولد یافت. وی که از اولین سال‌های جوانی پا به عرصه هنر و ادبیات نهاد، نقش بسیار چشمگیری در ارتقای فرهنگ ایران

برعهده گرفت. امروز صدای شیوای ادبیات بالنده و مردمی سرزمین ماست.

او در سال ۱۳۴۸ به عضویت فرهنگستان زبان ایران درآمد و در سال ۱۳۵۱ با سمت استاد زبان فارسی مدت کوتاهی به تدریس در دانشگاه پرداخت.

سال ۱۳۵۲، سال مهاجرت شاملو از ایران بود. او که پیش از این چندین بار توسط رژیم دیکتاتوری شاه زندانی شده بود، در این سال مجبور به ترک وطن شد. اقامت وی حدود سه سال به طول انجامید.

از شاملو تاکنون آثار گوناگونی در زمینه‌های ادبی انتشار یافته‌اند. مجموعه شعرهای وی به ۱۹ جلد می‌رسد. اشعار، نمایشنامه‌ها و رمان‌ها و قصه‌هایی هم به فارسی ترجمه کرده است که به ۳۰ جلد می‌رسند. از آخرین کارهای شاملو انتشار سلسله کتابهایی است تحت نام "کوچه"، مجموعه کوچکی که تا این زمان ۵ جلد از آن منتشر شده دربرگیرنده اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های همایانه زبان فارسی است.

نشانی محل برگزاری مراسم شعرخوانی در ارلانگن و نورنبرگ چنین اعلام شده است:

ERLANGEN: 27. SEPTEMBER, 10.00 UHR MORGENS

STADTHALLE ERLANGEN

NÜRNBERG: 29. SEPTEMBER, 20.00 UHR ABENDS

SCHARRER GYMNASIUM AULA

TETZELGASSE, ECKE PANIERSPLATZ

شعری که زندگی است

موضوع شعر پیشین،

از زندگی نبود.

در آسمان خشک خیالش، او

جز با شراب و یار نمی‌کرد گفتگو.

او در خیال بود شب و روز،

در دام کیس منحل معشوقه پای بند،

حال آنکه دیگران،

دستی به جام باده دوستی به زلف یار،

مستانه در زمین خدا نعره می‌زدند!

موضوع شعر شاعر،

چون غیر ازین نبود.

تأثیر شعر او نیز،

چیزی جز این نبود:

آرا به جای مته نمی‌شد بکار زد،

در راه‌های رزم،

با دستکار شعر،

هر دیو صخره را،

از پیش راه خلق نمی‌شد کنار زد.

یعنی اثر نداشت وجودش،

فرقی نداشت بود و نبودش

آن را به جای دار نمی‌شد بکار برد.

حال آنکه من بشخصه، زمانی

همراه شعر خویش،

همدوش شن‌چوی کرمی جنگ‌کردام

موضوع شعر

امروز

موضوع دیگر است

امروز، شعر، حربه خلق است.

زیرا که شاعران،

خود شاخه‌یی ز جنگل خلقتند،

نه یاسمین و سبیل گلخانه فلان،

بیگانه نیست شاعر امروز،

با دردهای مشترک خلق:

او با لبان مردم

لبخند می‌زند،

درد و امید مردم را،

با استخوان خویش

پیوند می‌زند.

الگوی شعر شاعر امروز

گفتیم:

زندگیست!

از روی زندگیست که شاعر،

با آب و رنگ شعر،

نقشی بر روی نقشه دیگر،

تصویر می‌کند:

او شعر می‌نویسد:

یعنی

او دست می‌نهد به جراحات شهر پیر.

یعنی

او قصه می‌کند به شب، از صبح دلپذیر. ◀

پیشنهادهای تازه اتحاد شوروی برای تشنج زدایی در شرق آسیا

یک کنفرانس بین المللی برای تبدیل اقیانوس هند به یک منطقه صلح، تشکیل شود.

- لازم است مکانیسمی برای رسیدن به توافق حول این پیشنهادهای ایجاد گردد. بررسی پیشنهادهای و بحث حول آنها می تواند با شرکت اتحاد شوروی، چین و ایالات متحده، که هر سه از اعضای دائمی شورای امنیتند، آغاز شود.

میخائیل گورباچف علاوه بر این پیشنهادهای، اعلام کرد که دولت شوروی حاضر است ایستگاه رادار کراسنویارسک را به ایستگاه تحقیقات فضایی تبدیل سازد و در مقابل انتظار دارد که ایالات متحده نیز در رابطه با ایستگاههای راداری خود در بریتانیا و گرین لند، چنین ابتکاری را پیش گیرد.

گورباچف همچنین از رهبری چین خواهان گفتگوی مستقیم بین سران دو کشور شد. وی گفت: "ما برای هادی کردن کامل روابطمان با چین در ارتقای آن تا سطحی که با مسئولیت دو کشور در قبال صلح جهانی همخوانی داشته باشد، آمادگی داریم". وی همچنین خواهان مذاکره مستقیم بین چین و ویتنام بر سر مساله کامپو چیا شد. گورباچف در سخنرانی هفته گذشته خود در کراسنویارسک در رابطه با امور داخلی اتحاد شوروی گفت: "ما دو تا سه سال گذشته را صرف آن کردیم که راه مشکلات را پیدا کنیم. اکنون دیگر زمان عمل فرارسیده است." وی برای قلبه بر مشکلات تاکید کرد که باید راه برطرف کردن موانع را در نزد لنین جستجو کرد و مدام به آثار بنیانگذار دولت شوروی، رجوع نمود.

میخائیل گورباچف، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در روز جمعه ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر) پیشنهادهای تازه ای برای خلع سلاح گسترش و تحکیم صلح در شرق آسیا و اقیانوس آرام، ارائه کرد. گورباچف پیشنهادهای تازه را که شامل ۷ ماده می شوند، در طی یک سخنرانی در شهر کراسنویارسک واقع در سیبری شرقی اعلام نمود. رئیس این پیشنهادهای بر مبنای گزارش خبرگزاری تاس از این قرارند:

- در صورتی که ایالات متحده موافقت کند که پایگاههای نظامی خود را در فیلیپین برچیند، اتحاد شوروی نیز در توافق با دولت ویتنام، پایگاه دریایی تدارکاتی کامران در ویتنام را واگذار خواهد کرد.

- اتحاد شوروی تعداد سلاحهای هسته ای خود در آسیا و اقیانوس آرام را افزایش نخواهد داد و از آمریکا و دیگر قدرتهای اتمی می خواهد که از چنین رویه ای پیروی کنند.

- قدرتهای بزرگ دریایی منطقه لازم است توافق کنند که از تقویت نیروی دریایی خود، خودداری ورزند.

- کشورهای مجاور دریای ژاپن و دریای زرد که شامل چین، ژاپن، دو کره و اتحاد شوروی می شوند، بایستی خود برای گسترش خلع سلاح و تشنج زدایی در این منطقه وارد مذاکره با یکدیگر شوند.

- برای برقراری امنیت در رفت و آمدهای هوایی و دریایی در این منطقه لازم است تدابیری اتخاذ شود که جلوی تصادمات را بگیرد. - لازم است حداکثر تا سال ۱۹۰۰

او شعر می نویسد :

یعنی

او دردهای شهر و دیارش را ،

فریاد می کند .

یعنی

او با سرود خویش ، روان های خسته را

آباد می کند.

او شعر می نویسد :

یعنی

او قلب های سرد و تپه مانده را ، ز شوق

سرشار می کند .

یعنی

او رو به صبح طالع ، چشمان خفته را

بیدار می کند.

او شعر می نویسد :

یعنی

او افتخار نامه انسان عصر را

تحریر می کند .

یعنی

او فتح نامدهای زمانش را

تقریر می کند

این بحث خشك معنی الفاظ خاص نیز

در کار شعر نیست ...

اگر شعر زندگی ست،

ما در تك سیاه ترین آیدهای آن

گرمای آفتابی عشق و امید را

احساس می کنیم :

این يك ، سرود زندگی اش را ،

در خون سروده است،

وان يك ، غریب زندگی اش را،

در قالب سکوت ،

اما ... اگر چه قافیه زندگی

در آن

چیزی بد غیر ضرب کفدار مرگ نیست ،

در هر دو شعر ،

معنی هر مرگ

زندگی ست !

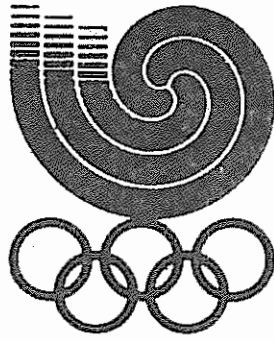
۱. بامداد (احمد شاملو)

کم های مالی رسیده

از یولند - دانمارک

میرابیون	۲۰۰ کرون	۱۰۰ کرون
الدوز	۲۰ کرون	۲۵۰ کرون
سیاوش	۲۵۰ کرون	۱۰۰ کرون
حمید	۲۰۰ کرون	۵۰۲ کرون
اشک	۲۰۰ کرون	۴۰۰ کرون
یاشار	۵۰۰ کرون	۵۰۰ کرون
آرش	۲۵۰ کرون	۱۰۰ کرون
کارون	۱۰۰ کرون	
آرش خان		
هامون		
هرمز		
روجا		
سابر		
بابک		

بیست و چهارمین دوره



بازی‌های المپیک آغاز شد

روز جمعه ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) بیست و چهارمین دوره بازی‌های المپیک تابستانی در سئول، پایتخت کره جنوبی گشایش یافت. در این بازی ۱۶۰ کشور جهان حضور دارند که از نظر تعداد کشورهای شرکت کننده رکوردی برای بازی‌های المپیک محسوب می‌شود. قریب ۱۲۰۰۰ نفر ورزشکار و داور و همراه در این دوره المپیک شرکت کرده‌اند. از میان کشورهای عضو کمیته بین‌المللی المپیک ۷ کشور منجمله کره شمالی در المپیک سئول شرکت ندارند. کره شمالی خواهان برگزاری بخشی از بازی‌ها در این کشور شده بود. به مناسبت شروع این رویداد بزرگ ورزشی، بطور بسیار فشرده اطلاعاتی را در مورد تاریخچه این بازی‌ها و نکات برجسته هر یک از دوره‌های اخیر آن درج می‌شود.

سرافاز بازی‌های المپیک را می‌توان سال ۷۷۶ قبل از میلاد مسیح، به حساب آورد. از آن زمان تا قریب هزار سال هر چهار سال یکبار این بازی‌ها برگزار بود. قبل از تسخیر یونان توسط رومیان، در مجموع ۲۹۳ دوره المپیک برگزار شد. رومی‌ها جنگ گلاادیاتورها را بر بازی‌های المپیک ترجیح می‌دادند. روند تدریجی فراموش کردن بازی‌های المپیک پس از پیدایش مسیحیت و قدرت گرفتن کلیسا تشدید شد. در سال ۳۹۳ به دستور تئودوسیوس، قیصر روم، به دلیل اینکه بازی‌های المپیک شاهانه دهنده "فرهنگ کاتران" بود، این بازی‌ها ممنوع اعلام شد و بناهای ورزشی و استادیوم المپیا به آتش کشیده شد.

پس از آن از سال ۱۸۷۵ "پارون پیردوکوبرتن" فرانسوی المپیک نوین را بر بنیاد المپیک قدیم: فیر حرفه‌ای بودن بازی‌ها و ورزشکاران و نوآوری‌های ورزشی مصر پی افکند.

در سال ۱۸۹۴ کمیته بین‌المللی المپیک تشکیل شد و اهداف و روال بازی‌های المپیک بشکل موارد زیر اعلام گردید:
- تمام بازی طبق اساسنامه و قوانین کمیته بین‌المللی المپیک (I.O.C) برگزار می‌شود.
- بازی‌های المپیک براساس ایده‌های قدیمی آن و کوشش در جهت پیشبرد آنها پیش برده خواهد شد.

- تشویق ورزشکاران فیر حرفه‌ای و پیشرفت ورزش در سطح جهان از اهداف این بازی‌هاست.
- این بازی‌ها برای ایجاد همبستگی

بین‌المللی بین ورزشکاران برگزار می‌شود.

اولین دوره جدید المپیک در سال ۱۸۹۶ در آتن برگزار شد. سرود المپیک که هنوز هم در آغاز بازی‌های المپیک نواخته می‌شود برای اولین بار در المپیک آتن بوسیله اسپردون ساماراس تنظیم و اجرا گردید.

از آن پس هر چهار سال یکبار بازی‌های المپیک در پاریس (۱۹۰۰)، سنت لوئیز - آمریکا (۱۹۰۴)، لندن (۱۹۰۸)، استکهلم (۱۹۱۲) برگزار شد. در المپیک پاریس برای اولین بار زنان امکان شرکت در این بازی‌ها را بدست آوردند.

در سال ۱۹۱۶ به دلیل وقوع جنگ جهانی اول، بازی‌های المپیک که قرار بود برلین مهماندار آن باشد، برگزار نشد.

در المپیک انتورین (بلژیک) که در ۱۹۲۰، بعد از جنگ جهانی اول، برگزار شد پرچم پنج رنگ المپیک بعنوان سمبل همبستگی ۵ قاره جهان تعیین و به اهتزاز درآمد.

المپیک‌های بعدی به ترتیب در پاریس (۱۹۲۴)، آمستردام (۱۹۲۸)، لس آنجلس (۱۹۳۲) برگزار شد. در سال ۱۹۲۵ کمیته بین‌المللی المپیک تصمیم بر این گرفت که اول هر سالی که المپیک برگزار می‌شود، بازی المپیک زمستانی انجام بگیرد.

بحران اقتصادی کشورهای صنعتی اواخر دهه ۲۰ بر بازی‌های المپیک تأثیر گذاشت تعداد ۳۰۱۴ نفر شرکت کننده از ۴۶ کشور جهان جای خود را به ۱۴۰۸ شرکت کننده از ۳۷ کشور داد. دولت برزیل

برای اعزام ورزشکاران خود به بازی‌های لوس آنجلس آنها را با یک کشتی حامل ۵۰۰۰۰ کیسه قهوه روانه آمریکا کرد. آنها موظف بودند برای امرار معاش و هزینه سفر خود کیسه‌های قهوه را در بین راه بفروشند. اما قهوه‌ها بفروش نرسیدند و آنها ناکام ماندند.

المپیک برلین در ۱۹۳۶ را نژادپرستان هیتلری به محل تبلیغات فاشیستی خود تبدیل کردند. آنها همه جا صلیب شکسته نازی را آویختند و سرودهای برتری نژاد ژرمن را سر دادند. ستاره بازی‌های المپیک برلین خلاف خواسته نژادپرستان برگزارکننده المپیک، یک سیاهپوست آمریکایی به نام جسی اوتر بود که صاحب چهار مدال طلا در ۱۰۰ متر، ۲۰۰ متر، ۴۰۰ متر و پرش طول شد. هیتلر از انداختن مدال بگردن او خودداری کرد و گویز که سیاهپوستان را "پادوهای تیم" نام نهاده بود، به روزنامه نگاران آلمانی دستور داد از ذکر اسمی سیاهپوستان در لیست برندگان مدال‌ها خودداری کنند.

در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ به علت جنگ جهانی دوم، بازی‌های المپیک که قرار بود در توکیو و لندن برگزار شود منتهی گردید.

در سال ۱۹۴۸ بازی‌های المپیک در لندن و در سال ۱۹۵۲ المپیک در هلستینکی برگزار شد. المپیک هلستینکی برای اولین بار شاهد شرکت اتحاد شوروی در این بازی‌ها بود.

سال ۱۹۵۶ بازی‌های المپیک در ملبورن برگزار شد. در این بازی‌ها ورزشکاران ایران بهترین

نتایج المپیک خود را که دیگر تکرار نشد را به دست آوردند. کشتی‌گیران ایران در این بازی‌ها دو مدال طلا و دو نقره کسب کردند. دو مدال طلا را تختی و حبیبی و دو مدال نقره را خجسته‌پور و یعقوبی به سینه آویختند.

در المپیک ملبورن ورزشکاران اتحاد شوروی از نظر مجموع امتیاز و مدال‌ها ورزشکاران آمریکا را پشت سر گذاشتند که این پیش‌تازی تاکنون ادامه یافته است.

شهرهای رم (۱۹۶۰)، توکیو، (۱۹۶۴) مکزیکوسیتی، (۱۹۶۸) مونیخ، (۱۹۷۲) و مونترال، (۱۹۷۶) به ترتیب میزبانان بعدی دوره‌های مختلف المپیک بودند.

از نکات برجسته لازم به ذکر در این مختصر دوره‌های فوق، به نمایش گذاشته شدن خواسته‌های سیاسی ورزشکاران از جمله اعتراض همه جانبه به جنگ ویتنام و اعتراض به نژادپرستی در آمریکا بود که مورد دوم خود را به شکل برافراشتن مشتی توسط ورزشکاران سیاهپوست در مقابل پرچم آمریکا به‌نگام دریافت مدال صورت گرفت.

در المپیک مونیخ بر اثر حمله پلیس به چند چریک فلسطینی که ورزشکاران اسرائیلی را به گروگان گرفته بودند، ۹ اسرائیلی، ۵ فلسطینی و یک پلیس آلمانی کشته شدند.

در المپیک مونترال ۱۷ کشور آفریقایی به دلیل حضور تیم نیوزیلند که تحریم مسابقه با آفریقای جنوبی را شکسته بود، از حضور در بازی‌ها خودداری کردند. در المپیک مونترال جمهوری دموکراتیک آلمان توانست در مجموع امتیازات آمریکا را پشت سر بگذارد و بعد از اتحاد شوروی مقام دوم را کسب کند.

در ۱۹۸۰ برای اولین بار بازی‌های المپیک در یک کشور سوسیالیستی برگزار شد. تعدادی از کشورها بویژه کشورهای اروپای غربی و آمریکا به بهانه اعتراض نسبت به حمایت نظامی اتحاد شوروی از دولت افغانستان از شرکت در المپیک مسکو خودداری کردند. با این وجود المپیک مسکو تنها دوره‌ای بود که در آن ۳۴ رکورد جهانی و ۷۴ رکورد المپیک شکسته شد.

در سال ۱۹۸۴ بازی‌های

سرمایه و سرنیزه در کره جنوبی



دستگیری وسیع دانشجویان در ماه اوت در دانشگاه سنول

هنگامی که در سال ۱۹۸۱ کره جنوبی به عنوان میزبان المپیک ۱۹۸۱ برگزیده شد، بلافاصله این سوال مطرح شد که از این بازیها در سنول، بارژیمی که چند ماه قبل در ماه مه ۱۹۸۰، ۲۵۰۰ نفر را در شهر کوانگ یو کشته و ۵۰۰۰ نفر را زخمی کرده بود، چه در خواهد آمد؟ آیا به نوعی قضیه المپیک ۱۹۳۶ تکرار خواهد شد؟ حوادث بعدی واقعی بودن این سوالات را اثبات کردند. ثابت شد که حکام سنول می‌کوشند در پس زرق و برق المپیک، چهره کره خود را پنهان سازند، با این بازیها بر شوونیسم در کشور دامن زنند و خصوصیت با نیمه شمالی کره یعنی جمهوری دموکراتیک خلق کره را تشدید کنند.

حکام کره جنوبی بازیهای المپیک را تحت شعار "همهانگی و پیشرفت" برگزار می‌کنند. آنان سرکوب و خفقان را "همهانگی" و یک اقتصاد مبتنی بر شدیدترین حد بهره‌کشی را "پیشرفت" می‌نامند. برای آشنایی بیشتر با کره جنوبی، ابتدا نظری بر وضعیت اقتصادی این کشور که امپریالیست‌ها و عواملشان در سنول بدان "معجزه" نام نهاده‌اند، نظر می‌افکنیم. توجه به این "معجزه اقتصادی" از آن رو نیز مهم است که یکی از الگوهای ایدال جمهوری اسلامی است.

"معجزه اقتصادی

کره جنوبی

کره جنوبی محصول تجاوزگری آمریکا است. در پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا بخش جنوبی کره را به اشغال خود درآورد و از آن جهت که در شمال نیروهای انقلابی قدرت فائقه بودند، بنا را بر آن گذاشت که در نیمه جنوبی دولت دست‌نشانده‌ای تاسیس کند. آمریکا مانع وحدت کشور شد و به امید استیلا بر تمامی کره رژیم وابسته به خود در سنول

کردند.

المپیک لوس آنجلس به دلیل تمرکز گزارش‌های تلویزیونی بر روی ورزشکاران ایالات متحده نیز مورد اعتراض اکثر کشورهای شرکت‌کننده قرار گرفت و آنرا "المپیک ساخت آمریکا" نام نهادند. از نکات قابل توجه این المپیک شرکت وسیع زنان در آن بود. ۴۵ درصد شرکت‌کنندگان را زنان تشکیل می‌دادند.

تصمیم ویژه‌ای که در المپیک لوس آنجلس در مورد فوتبال گرفته شد این بود که از این پس فوتبالیست‌های حرفه‌ای نیز به این شرط که قبلاً در مسابقات رسمی جهانی فوتبال شرکت نکرده باشند نیز اجازه حضور یافتند.

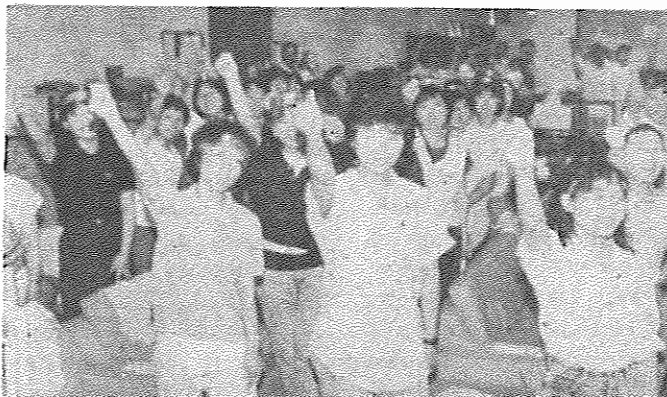
ورزشکاران ایرانی هم در المپیک مسکو و هم در المپیک لوس آنجلس حضور نداشتند.

المپیک در لوس آنجلس برگزار شد برای اولین بار المپیک بطور "شخصی" برگزار گردید. دولت آمریکا از معده گرفتن مخارج برگزاری بازی‌ها سرباز زد و برقراری آن را به یک "کمیته تشکیلاتی" مرکب از ۶۰ تن از سرمایه‌داران کالیفرنیا واگذار کرد. امتیاز پخش تلویزیونی نیز به A.B.C. داده شده که به دلیل تعیین گرانترین حق امتیاز پخش، مورد بیشترین اعتراضات جهانی قرار گرفت.

در المپیک لوس آنجلس تعدادی از کشورها منجمله کشورهای سوسیالیستی، باخاطر تبلیغات و تحریکات ضد کمونیستی وسیع و تهدیدات قریب ۴۰۰ گروه مسلح، از آنجا که تا آخرین روزهای قبل از شروع بازی‌ها تضمینی از طرف دولت آمریکا دریافت نکرده‌اند، از شرکت در بازی‌ها خودداری

می‌شد و بخش زیادی از آنها به خارج صادر می‌گردید. از اوایل دهه ۷۰ به بعد کره جنوبی دارای یک بخش رشدیابنده صنایع سنگین شد که محصولات آنها سرریز از حد مصرف داخلی فراتر رفت. مجتمع‌های شیمیایی، فولادسازی و اتوموبیل‌سازی هم‌دا با کمک و سرمایه انحصارات ژاپنی تاسیس شدند. "معجزه اقتصادی" بلافاصله ره به بحران برد. بورژوازی بزرگ حاکم در کره جنوبی با تشدید سرکوب، به بحران سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ که خیزش‌هایی همچون خیزش کوانگ یو را به همراه آورد، پاسخ گفت. پس از قدرت‌گیری چون دوهوان، دیکتاتور برکنار شده بر اثر فشار توده‌ای اخیر، برخی تمهیدات اقتصادی تازه برای قلبه بر بحران آغاز شد: ارزش پول پایین آورده شد، بر نرخ بهره افزوده شد، موسسات بخش دولتی به سرمایه خصوصی سپرده شد و همچنین دولت به گرفتن اعتبارهای کلان از بانک جهانی رو آورد. بر طبق برنامه تازه از ظرفیت تولیدی صنایع کشتی‌سازی کاسته و در عوض بر ظرفیت تولید صنایع اتوموبیل و الکترونیک افزوده شد. گرایش به انحصار تشدید گردید. درجه انحصار به حدی رسید که امروزه ۱۵ شرکت انحصاری - با سرمایه مرکب خارجی و داخلی - "مولد" ۵۰ درصد تولید ناخالص اجتماعی‌اند. برنامه تازه کره جنوبی را به مقروض‌ترین کشور آسیا بدل کرد. در سال ۱۹۸۶ بدهی‌های خارجی این کشور بالغ بر ۵۴ میلیارد دلار می‌شدند.

بقیه در صفحه ۱۰



صحنه‌ای از اعتصاب در شرکت ژاپنی میتسوبی در سنول برای دستیابی به حقوق سندیکیایی

اوج گیری جنبش...

بقیه از صفحه آخر

در روز یکشنبه ۱۱ سپتامبر - سالگرد کودتا - هزاران نفر از مردم شیلی در گورستانی که آئنده در آن به خاک سپرده شده است گرد آمدند تا خاطره رئیس جمهور فقید خود را گرامی دارند. همه شعار می دادند: آئنده زنده است، مرگ از آن پیروشه است! "اجتماع کنندگان بر گرد گور آئنده، هنگام راهپیمایی به سوی مرکز شهر سانتیاگو با یورش پلیس مواجه شدند. در روز ۱۱ سپتامبر در درگیری هایی که با پلیس در نقاط مختلف سانتیاگو صورت گرفت، بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند، پلیس ۵۰۰ نفر را دستگیر کرد.

در روز بعد نیز تظاهرات ادامه یافت. پلیس به تظاهراتی که در روز ۱۲ سپتامبر به دهوت سندیکاها کارگری صورت گرفته بود، وحشیانه حمله برد و ۵۳ نفر را زخمی و بیش از ۲۰۰ نفر را دستگیر کرد.

همپای اوج گیری مبارزات توده های به شکل تظاهرات و اعتصاب، مبارزه مسلحانه نیز تشدید می شود. مبارزین مسلح جبهه میهنی مانوئل رودریگز در یک کنفرانس مطبوعاتی مخفیانه در سانتیاگو اعلام کردند که این جبهه بر عملیات مسلحانه خود خواهد افزود. در این کنفرانس مطبوعاتی گفته شد که پیروشه

مسلمها در همه پرسی ۱۵ اکتبر دست به تقلب و سیعی خواهد زد و از هم اکنون شواهدی قوی دال بر این امر وجود دارد. لذا خلق نباید امید بدان بندد که دیکتاتور بر مبنای آرای مردم کنار رود و لازم است بر شدت مبارزه، از جمله در بعد مسلحانه آن، افزوده شود.

پیروشه و مزدوران و پیروان او در سالگرد کودتا برای خود جشن گرفتند، پیروشه، در این مراسم از برنامه حکومت خود تا سال ۱۹۹۷ (!) سخن گفت و وعده داد که در شیلی یک دموکراسی واقعی برپا خواهد کرد! او همچنین به بازدید یک محله سانتیاگو رفت و در یک سخنرانی در برابر اهالی محل، که طبیعتاً فقط پلیس هایی با لباس شخصی بودند، شکایت کرد که چرا او را دیکتاتور می نامند وی گفت: "این یک توهین است، من نه یک

دیکتاتور بلکه مدافع دموکراسی در شیلی هستم!" هنگام بازگشت وی و همراهانش از این محله بدرقه گرمی از آنها به عمل آمد. جوانان شروع به پرتاب سنگ به سوی اتوموبیل حامل پیروشه و اتوموبیل های اسکورت کننده دیکتاتور کردند. پلیس های همراه پیروشه به اسلحه گرم متوسل شدند تا بتوانند دیکتاتور را با شتاب به کاخ امنش برسانند.

مردم برای روزهای آینده نیز تدارکات وسیعی دیده اند. در روز ۲۴ سپتامبر قرار است هورتسیا بوسی دو آئنده، بیوه سالوادور آئنده پس از پانزده سال تبعید به شیلی بازگردد. حزب کمونیست مردم را فراخوانده است که وسیعاً در مراسم استقبال از وی شرکت کنند و این مراسم را به یک تظاهرات بزرگ توده ای بدل سازند.

سرمایه و سرنیزه در کره جنوبی

بقیه از صفحه قبل

در کانون تمهیدات تازه اقتصادی، افزایش بهره کشی قرار داشت. ساعات کار در هفته از ۵۲ ساعت به ۵۵ ساعت افزایش داده شد. دولت اساساً با این حد از بهره کشی از نیروی کار بود که توانست در دو سال گذشته ۲۰ درصد از میزان بدهی های خارجی خود بکاهد.

کارخانه ها همچون پادگان نظامی اند

دولت در کره جنوبی کمترین بودجه را به امور اجتماعی اختصاص می دهد. به عنوان نمونه در سال ۱۹۸۷، بودجه اختصاص داده شده به رشد صنعتی ۱۸ درصد بودجه دولتی و در مقابل سهم امور اجتماعی ۸ درصد بود. تازه از این میزان آن بخشهایی از امور اجتماعی بهره می گیرند که بلاواسطه در خدمت بهره کشی از نیروی کار باشند (بخشهایی همچون آموزش فنی و حرفه ای و دادن بورس برای دیدن دوره های عالی در خارج به عده ای از دانشجویان).

در کارخانه های کره جنوبی چهل سال است که "وضعیت فوق العاده" برقرار است. سرپرستی کارخانه ها بر عهده افسران بازنشسته و یا مامور به

خدمت در صنایع است. همه چیز تحت کنترل ساواک است که عنوان اختصاری آن "گسیا" است. شرکت های انحصاری کارخانه های خود را بر مبنای اردوگاه های کار نازی ها سازمان داده اند. به عنوان نمونه انحصار فولاد "پسکو" که مجتمع فولادسازی آن، مقام سوم را در جهان داراست در منطقه ای به وسعت ۹ کیلومتر مربع یک اردوگاه کار واقعی ایجاد کرده است. دور مجتمع دیوار کشی کرده و یاسیم خاردار کشیده اند، در همه جا پستهای نگهبانی و دیدبانی گماشته اند، کارگران اینفورمهای قهوه ای در بر می کنند و موظفند که در هنگام عبور از برابر یک دیگر، به هم سلام نظامی دهند. در کارخانه هیوندایی روز کار این گونه آغاز می شود: کارگران در مراسم صبحگاه سرود شرکت را می خوانند و هنگامی که پرچم شرکت برافراشته می شود، همه موظفند که بدان درود بفرستند.

کارگران را به راستی به ضمیمه ماشین ها تبدیل کرده اند. رئیس شرکت پسکو در رابطه با "برندگان" خود می گوید: "آنها نیازی به سندیکا ندارند، ما خود همه احتیاجات آنها را برطرف می کنیم."

سطح دستمزدها در کره جنوبی در تراز آسیا نیز در حداقل ممکنه

قرار دارد. همه از شدت بهره کشی در ژاپن باخبرند، اما اگر مزد یک ساعت کار در ژاپن را به صورت متوسط ۱۰۰ فرض کنیم، شاخص فرضی برای کره جنوبی برابر خواهد بود با ۱۶/۳. این شاخص برای تایوان ۱۸، هنگ کنگ ۱۹/۷ و سنگاپور ۲۶ است.

در رأس خواسته های کارگران در کره جنوبی کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد قرار دارد. جنبش اعتصابی در دو سال گذشته جای ویژه ای در مبارزات کارگری باز کرده است.

جنبش برای دموکراسی

در سال ۱۹۸۶ رژیم چون دوهوان دست به کارزار "پاک سازی عناصر کمونیست" در کارخانه ها و دانشگاه ها زد. ۱۴ سندیکای مستقل ممنوع اعلام شد. ۱۵۰۰ دانشجو دستگیر گردیدند. سرکوبگری ها نتوانستند جلوی جنبش روبه گسترش را بگیرند. پس از قتل یک دانشجوی ۲۱ ساله به دست پلیس در زیر شکنجه، جنبش دانشجویی - کارگری اوج بیشتری گرفت. اپوزیسیون بورژوازی نیز پا به میدان نهاد تا امتیازاتی بگیرد. آمریکا بنابر تجربه خود در ایران، نیکاراگوئه و فیلیپین بلافاصله زنگ خطر را در سئول به صدا درآورد. قبل از این که جنبش اوج بیشتری بگیرد چون دوهوان کنار رفت و جای خود را به ژنرال چهار ستاره روتائوو داد. اپوزیسیون بورژوازی هم به دلیل شکافهای درونی و هم به دلیل

زدونندهای پنهانی نتوانست تا حد تحقق شعارهای کم رنگ لیبرالی خود پیش رود. از چند ماه مانده به آغاز بازیهای المپیک به رژیم روتائوو "آتش بس سیاسی" داده شد تا "منافع عالی ملی" در برگزاری هر چه باشکوه تر این بازیها، مخدوش نشود. کارگران و دانشجویان اما به مبارزه خود ادامه دادند. جنبش دموکراتیک حول حرکت دانشجویان به درستی در ماههای اخیر شعار وحدت مجدد دو کره را در میان شعارهای عمومی خود برجسته کرد و بدینسان به مصاف با شوینیسیم ضد شمال حکام جنوب برخاست. دانشجویان با فداکاری و از خود گذشتگی، با تمام توان کوشیدند مردم را آگاه کنند تا فریب زر و برق المپیک را نخورند و نگذارند مبارزه از گرمی خود بیفتد. آنها در این روزها نیز به پیکار خود ادامه میدهند. جنبش کارگری از ضعف تشکل و کمبود آگاهی و عنصر سازمانگر سوسیالیستی رنج می برد. این جنبش توان بالقوه عظیمی دارد و در مبارزات طولانی خود، در سهای فراوانی گرفته است. حدت تضادها دست کم آهنگ رشد کنونی آن را حفظ خواهد کرد. جنبش کارگری امید اصلی جنبش برای دموکراسی و وحدت مجدد دو کره است. احزاب اپوزیسیون بورژوازی به رهبری کیم دای جونگ و کیم یونگ سام رقابتی این جنبشند که به مثابه دریچه های اطمینان نظام عمل می کنند.

سهم کشورهای رشدیابنده در کل تولید جهان

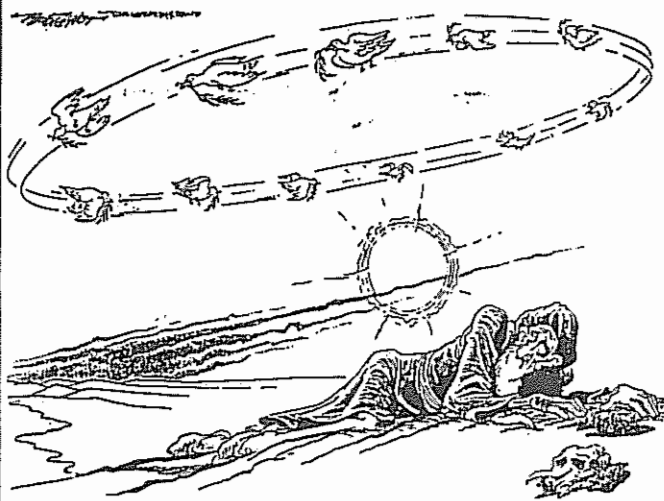
سرمایه داری

صادرات	تولید صنعتی	تولید ناخالص داخلی	
۲۶/۶ ۲۸/۵	۱۴/۸ ۱۵/۷	۷/۴ ۱۸/۳	حوزه کشورهای رشدیابنده در مجموع ۱۹۷۵ ۱۹۸۵
۱۶/۴ ۱۷/۵	۶/۲ ۶/۵	۷/۵ ۸/۲	آسیا ۱۹۷۵ ۱۹۸۵ (*)
۴/۶ ۴/۹	۱/۳ ۱/۱	۲/۵ ۲/۲	آفریقا (به جز آفریقای جنوبی) ۱۹۷۵ ۱۹۸۵ (*)
۵/۶ ۶/۲	۷/۳ ۸/۶	۷/۴ ۷/۹	آمریکای لاتین ۱۹۷۵ ۱۹۸۵ (*)

منبع: آمار سازمان ملل متحد (به درصد)

(*) تخمینی

خمینی بعد از نوشیدن جام زهر صلح



کاریکاتور از روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشاو

جمهوری اسلامی و شطرنج

مسئله شطرنج یافتن پاسخی مقنع و در همین حال اسلامی برای آن، همواره موضوع "فعالیت مغزی" حوزه نشینان و انصار درگاه خلافت بوده و پس از زنجیره طولانی بحثها و مجادله‌ها، لاینحل باقی مانده است. هجرت و ناتوانی فقهای "کم ستاره و کم درجه" در پاسخدهی به این "ابر معضل" اسلام، ناگزیر کار را به بارگاه امام کشاند که وی با "آینده نگرانی" و "ولایت الهی" خود، این گره ناگشوده را به ضرب فتوایی، به دست "مبارک" مراجع بگشاید. استفتاء "مراجع هالیقدر" در اواسط شهریور ماه به "دفتر امام" تحویل گردید و کیهان دولتی در صفحه نخست روز شنبه ۱۹ شهریور ماه فتوای امام را بازتاب داد: "فتوای امام خمینی درباره شطرنج: بر فرض مذکور اگر برد و باختی بین نباشد، اشکال ندارد." و بدین ترتیب "ابر معضل" شطرنج در صورتیکه "بر دو باختی" در بین نباشد، حل گردید و مسئولان رژیم آن شب آسوده سر بر بالین نهادند! بنابه این فتوا از این پس همه بازیهای شطرنج در ایران باید با نتیجه پات خاتمه یابد تا برنده و بازنده‌ای در میان نباشد!

یک مرد و ۱۶ زن

می نمود. از آن گذشته هیات ورزشی جمهوری اسلامی که می‌بایست در مراسم افتتاحیه بازیها بر اساس تقدم و تاخر حروف الفبای کراهی، پس از کشورهای عراق و مصر رژه برود، نظم تقدم و تاخر حروف الفبای کراهی را برهم زد و پس از ایتالیا و هندوستان وارد ورزشگاه شد. تاخیر ورود هیات ایرانی به ورزشگاه توجه گزارشگران رسانه‌های جهانی - که مستقیماً مراسم را گزارش می‌کردند - به خود جلب نمود و به اطلاع میلیون‌ها بیننده رسید.

در تقابل قرار داشت، چرا که بر اساس قوانین اسلامی مختص رژیم جمهوری اسلامی، حرکت مردان پشت سر یک زن، "تنگ" محسوب می‌شود. مقامات کراهی برای رهایی مقامات رژیم اسلامی از این "تنگ" تدبیری در کار کردند که در جریان پخش مستقیم بازیها همه جهانیان را برانگیخت و آن اینکه در ردیف ۱۶ زن کراهی که تابلوهای کشورهای مختلف جهان را حمل می‌کردند، تابلوی جمهوری اسلامی را در جلوی صف ورزشکاران ایرانی بگونه‌ای خلاف قاعده، یک مرد کراهی حمل

روایت "یک مرد و ۱۶ زن" در واقعیت امر محصول تدبیر جمهوری اسلامی در جریان افتتاح بازیهای بین‌المللی سئول بود. بر طبق رسم، ورزشکاران همه عالم در آغاز بازیهای المپیک می‌بایست زیر پرچم و نام کشور خود در صفوف منظم از جلوی جایگاه تماشاچیان رژه بروند. رسم همچنین بر این است که در جلوی هیات ورزشی اهزامی هر کشور، یک زن از کشور میزبان تابلوی نام آن کشور را حمل می‌کند. این رسم با نگرش عصر حجری مقامات جمهوری اسلامی

کاسه‌های خالی و چهره‌های ملتس در برابر یک مرکز کمک‌رسانی در بنگلادش. سیل، ویرانی عظیمی به بار آورد. اکنون و باو دیگر بیماری‌ها به جان مردم فقرزده بنگلادش افتاده‌اند.



پیروزمند خود را باز خواهد یافت و خودمختاری به چنگ می آید.

خودمختاری چیست و کسب آن در گرو تأمین کدام شرایط است؟ در عراق، خلق کرد از همه این سالها چه تجاری اندوخته است؟ برای پاسخ به این پرسشها نوشته‌ای از انتشارات حزب کمونیست عراق به قلم کریم احمد منتشره در سال ۱۹۸۶ را برگزیده‌ایم که در این صفحه می‌خوانید. حزب کمونیست عراق که علاوه بر مبارزه سرتاسری در این کشور، یکی از ارگان جنبش ملی در کردستان نیز محسوب می‌شود، تجارب گرانمایی در طول سالهای دراز مبارزه کسب کرده است. این حزب متکی بر تئوریهای انقلابی و تجارب فنی همواره ضرورت ایجاد جبهه‌ای فراگیر از نیروهای ملی کردستان را ترویج و در راه شکل‌دهی به آن کوشید. این مقاله پیش از شکل‌گیری چنین جبهه‌ای در مارس سال جاری، نوشته شده است.

کدام، خودمختاری، و کدام، جبهه کردستانی، را می‌خواهیم؟

مقاله‌ای منتشره از سوی حزب کمونیست عراق به تاریخ مارس ۱۹۸۶ نوشته: کریم احمد

تجربیات خود که زندگی، درستی آن را تأیید نموده، بخوبی دریافته است که مساله او به شیوه‌ای ارگانیک با مساله ایجاد یک رژیم دموکراتیک در عراق، پیوند خورده است و درست بهمین دلیل است که نیروهای خود را با نیروهای خلق حزب و اقلیتهای ملی، در مبارزه بمنظور تحقق اهداف حقه خود، متحد می‌سازد.

خلق کرد و جنبش رهائی‌بخش و دموکراتیک آن، با اتکا به تجارب انقلابی سرشار و گسترده خود، به درک این واقعیت نائل آمده است که بورژوازی شوونیستی حاکمان حزب، قادر به ایجاد یک رژیم دموکراتیک نیست و درست بهمین دلیل، توانائی استقرار خودمختاری در کردستان را نیز ندارد. بورژوازی لیبرال حزب هم‌گرچه شعار خنده‌آمیز "اشتراک حزب و کرد در خاک میمن" و "برابری حقوق آنان" را اعلام کرده و لاف آن را می‌زند، اما توان تحقق دموکراسی و خودمختاری را ندارد. شعار "برابری" که بورژواها آنرا بدون محتوی در بوق می‌دمند، هدف نابودی مطالبات ملی را دنبال میکند آنهم بمنظور ادامه سلطه، بهره‌کشی و تحمیل بیشتر خود بر خلق کرد زیرا "برابری" در واقع و مطابق مفاهیم مارکسیست، لنینیستی و ایدئولوژی بورژوازی، بمعنی حق خلق کرد برای تعیین سرنوشت خویش است و استقرار یک حکومت ملی را نیز در بر میگیرد، دقیقاً همانطور که برای خلق حزب.

بورژوازی بوروکرات و فرصت‌طلب و شوونیست حاکمان حزب، مفهوم "خودمختاری" را از جهات سیاسی و عقیدتی مفسوش کرد، حتی زمانی هم که ناچار از پذیرفتن آن شد، زمانی بود که تعادل نیروها در درون و بیرون، به سود نیروهای دموکرات و جنبش آزادی‌بخش خلق کرد سنگینی میکرد این پذیرش هم به نوبه خود به سکوی مانور آنان با هدف از هم‌پاشیدن وحدت نیروهای دموکرات در کشور و منزوی کردن جنبش خلق کرد تبدیل شد و هم‌اسب بروز تغییرات فراوان در تعادل نیروها بسود سلطه‌گران دیکتاتور شوونیست گردید و بدنبال آن بود که توانستند هجوم وحشیانه تروریستی را به جنبش دموکراتیک و جنبش رهائی بخش خلق کرد سازمان دهند.

امروز برخی نیروها زیر سایه شعارهای

پس از تشکیل جمهوری ترکیه (۴) و برپائی حکومت سلطنتی در عراق و تبدیل شدن کردستان به بخش‌هایی از این دو کشور، مساله کرد، بخشی از پیکر جنبش میهنی - دموکراتیک و ضد استعماری، فتوادی و ارتجاعی این کشورها گردید که حل آن نیز در چهارچوب یک کشور چند ملیتی مطرح و از همین جا وارد مرحله نوینی میشد.

حزب ما، حزب کمونیست عراق، از همان ابتدای تشکیل، با اتکا به مبادی مارکسیسم - لنینیسم، "حق تعیین سرنوشت" را همراه با "حق تشکیل یک دولت میهنی مستقل" برای خلق کرد برسمیت شناخت و از قیامهای میهنی آنان پشتیبانی نموده، مبارزه این خلق را " علیه ستم ملی و "بخاطر وحدت ملی" - در همه بخش‌های کردستان - مورد تأیید قرار داد.

حزب ما، همزمان با تأیید این حقوق طبیعی، با قاطعیت هرچه تهاجمی، بر اهمیت وحدت نیروهای هردو خلق حزب و کرد و نیز اقلیتهای ملی، علیه استعمار، دولت پادشاهی مرتجع و فتوادلایزم و همچنین در راه استقرار یک حکومت میهنی - دموکراتیک تأکید ورزید. در این مرحله نیز یک برنامه ملی و دموکراتیک که با آماج‌های میهنی مطابقت می‌نمود، تهیه و اعلام کرد. این برنامه، از جانب آن دسته از نیروهای سیاسی که یک ارتش نیرومند سیاسی را برای تحقق آن تشکیل میدهند بدرستی درک شد. این برنامه، همان "خودمختاری" است که مورد تأیید همه نیروهای دموکرات و مترقی بوده و همگی بر آن متفق‌القول هستند زیرا بخشی از مساله دموکراتیک است که خود، بمنظور تحقق آن مبارزه می‌کنند.

حزب ما، تحقق همین مساله کرد را به مساله دموکراتیک پیوند زده است زیرا این دو امر به یکدیگر گره خورده‌اند و از همین دیدگاه بود که پرچم "دموکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان" را برافراشت که پشتیبانی وسیع نیروها و احزاب ملی و مترقی خلق ما را بطور عام و جنبش رهائی بخش خلق کرد را بطور خاص بدنبال داشت. این جنبش (جنبش ملی کردستان)، خود، پرچم را در دست گرفت و در طول تاریخ مبارزه خلق‌های عراق، از حزب، کرد و اقلیتهای ملی، آنرا افراشته نگاه داشت. زیرا خلق کرد، با هویشاری و آگاهی همیق و براساس

در این روزها خلق کرد در عراق یکی از دشوارترین و خونین‌ترین لحظات تاریخ حیات خود را می‌گذراند. رژیم سفاک حاکم بر عراق با گسیل انبوه لشکریانی که از جبهه‌های جنگ ایران و عراق فراخوانده شده‌اند، می‌خواهد با برپائی دریایی از خون و آتش، ثمرات مبارزه دراز مدت این خلق را باز پس بگیرد و آنان را از ادامه مبارزه در راه تأمین خودمختاری ناامید سازد. اما به رقم اوامع شوم حکمروایان بغداد، این مبارزه ادامه خواهد یافت. لامحاله ادامه خواهد یافت، تا حق تعیین سرنوشت بدست آید. روزهایی که می‌گذرد برای خلق کرد تلخ و فاجعه‌بار است. اما در تاریخ این خلق دلایر روزهای فاجعه‌بار کم نبوده است. آن روزها بالاخره پشت سر گذاشته شدند و جنبش ملی اعتلا بیشتری یافت. ارتجاع حاکم بر عراق این بار نیز به هبت بر این پندار است که با کشتار جمعی خواهد توانست اراده خلقی را در هم بشکند. مبارزه خلق کرد با هر نشیب و فرازی که همراه باشد سرانجام

مساله کرد، قبل و بعد از جنگ اول جهانی، جای مهمی را در اوضاع بین‌المللی اشغال کرد. در آن هنگام، متخصصین و محققین دول استعمارگر در هر سه قسمت کردستان (ترکیه، ایران و عراق)، پرسه می‌زدند و شرایط کردستان را از جهات اقتصادی، سیاسی و نظامی بررسی میکردند و با گزارشات دقیق و همه‌جانبه خود به دولتهایشان کمک میکردند تا در راستای منافع خود، از آنها بهره بگیرند.

پس از جنگ اول جهانی، فرو ریختن امپراطوری عثمانی و تقسیم شدن کشورهای تحت سلطه آن، طبق پیمان "سایکس - پیکو (۱)" میان کشورهای متفق، مساله کرد به موسسات جامعه ملل کشیده شد. در همانجا (جامعه ملل) و برابر پیمان "سور" (۲) بود که مقرر گردید یک "دولت کردی" در مناطق تحت حاکمیت دولت عثمانی یعنی نطاطی که امروز کردستان ترکیه و عراق را تشکیل میدهند، ایجاد شود. لیکن پس از سازش دول استعمارگر با دولت جدید ترکیه بریاست "مصطفی کمال" (۳) و ایجاد "کشور عراق" (۴) که ملک فیصل از جانب انگلیسی‌ها به سلطنت آن گمارده شد، عملاً این بخش از کردستان بین ترکیه و عراق تقسیم و بخش دیگر نیز، همچنان تحت تسلط ایران باقی ماند.

در این مرحله از مبارزه‌های بخش خلق کرد و بدنبال تقسیم کردستان به سه بخش، مساله کرد پیچیده‌تر شد و این واقعیت جدید، خود به عامل پراکندگی نیروهای کرد تبدیل گردید. همزمان با آن، مبارزه در راستای برقراری یک حکومت کردی در ایران، عراق و ترکیه، مستقل از یکدیگر، آغاز شد. لیکن این مبارزات که در چندین قیام و انقلاب بازتاب یافت بسبب عوامل مشخص هینی، که به جنبش ملی کردها مربوط میشود، سرانجام موفقیت آمیزی نیافتند. در راس این عوامل، "خصلت طبقاتی رهبران و نیروها"ی این انقلاب و قیامها، "محصور ماندن آنها در یک منطقه مشخص محدود" و "عدم تبدیل آنها به یک حرکت وسیع توده‌ای" بود.

عوامل دیگری مانند "توازن نیروها در هر کشور یا در هر سه بین‌المللی" و همچنین "سازش مرتجعین مزدور کرد با مرتجعین ترکیه و عراق و ایران" نیز به این سبب‌ها افزوده میشود.

جهان وطنی که با پرده مذهبی پوشانده شده است، میخوایند مساله ملی را نابود کنند، در حالی که زندگی و تجربیات آن ثابت کرده است که جدا از قدرت ائتلافی میهنی - دمکراتیک که طبقه کارگر نقش اصلی را در آن بازی کند، هیچ قدرت دیگری نمیتواند دمکراسی را برای عراق و خودمختاری واقعی را برای کردستان تضمین نماید.

هنوز هم در میان جنبش ملی خلق کرد، نیروها و عناصری بچشم میخورند که بر این باورند گویا میتوان خودمختاری را جدا از کل مردم عراق و نیروهای ملی و مترقی سراسری که در راستای پایان بخشیدن به دیکتاتوری و استقرار حکومت ائتلافی دمکراتیک مبارزه میکنند واقعیت بخشید. آن کوششهایی که بمنظور جدا کردن مبارزه خلق کرد از مبارزه کل مردم عراق بعمل میاید و بر طبق آن مبارزه خلق کرد، چیزی جدا از مبارزه خلق عراق تصور میشود، نه تنها به مجموعه جنبش انقلابی کشور زبان میرساند، بلکه این زبان متوجه خود جنبش آزادیخواهانه خلق کرد نیز میشود.

چنین درکی از مبارزه، سبب بروز و احیا تعصبات قومی و تبدیل مبارزه دمکراتیک ضد شوونیستی به کشمکش ملی میان هرب و کرد میشود، امری که جز در راستای منافع استعمار و شوونیسم نیست. دودین بدنال توهمات و تخيلات ملی انزواطلبانه بورژوازی، نمیتواند پایه وحدت نیروهای ملی و دمکراتیک باشد بلکه برعکس، سبب ضربه زدن به یکدیگر و سرکوب جنبش همگانی خواهد شد، جنبشی که در کردستان شکل یک حرکت پیشگام بخود گرفته است. چنین تقابلی یک خدمت بی مزد و منت به دیکتاتوری حاکم ارائه میکند.

حل دمکراتیک و برحق مطالبات خلق کرد که وابسته به استقرار دمکراسی در کشور است، باید به توده های وسیع مردم و نیروهای میهنی و ملی مترقی در منطقه کردستان و سراسر عراق متکی باشد، خلق کرد در طول مبارزات طولانی و تلخ خود در راه احقاق حقوق ملی، تجربیات بسیاری به دست آورده است. موضع همه احزاب ملی بورژوازی را چه در درون و چه در بیرون حاکمیت، تجربه کرده و بدرستی اعتقاد یافته است که قیراز طبقه کارگر و حزب کمونیست آن، هیچ طبقه اجتماعی و هیچ حزب سیاسی دیگری نیست که در عمل، حق تعیین سرنوشت را برای خلق کرد تایید کند. "طبقه ای که نه تنها بمنظور رهایی خود بلکه بخاطر رها کردن جامعه از همه شیوه های ستم اجتماعی، اقتصادی و ملی مبارزه میکند."

جنبش رهایی بخش دمکراتیک - ملی خلق کرد، بخشی از جنبش دمکراتیک و رهایی بخش ملی و بخشی از جنبش آزادیخواهانه خلقهای جهان است همچنین متحد عینی طبقه کارگر عراق است. برنامه حزب ما مصوب چهارمین کنگره میهنی (دهم تا پانزدهم نوامبر ۱۹۸۵) نیز این حقیقت را مورد تایید قرار داد که "جنبش ملی رهایی بخش خلق کرد، بخشی از جنبش دمکراتیک - انقلابی و متحد اساسی پرولتاریای عراق در مبارزه اش بخاطر تحقق بخشیدن به آماج های استراتژیک آن است. "همچنین جنبش رهایی بخش خلق کرد در مبارزه جنبش ملی - دمکراتیک

(سراسری عراق) بمنظور "دمکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان"، جایگاه مشخصی یافت. برنامه حزب ما، این حقیقت را بازگو کرد که جنبش مزبور، "بخش مهمی از جنبش سراسری را تشکیل میدهد."

توده های خلق کرد، در تهاجم علیه ستم ملی و بهره کشی طبقاتی و نیز در قیام بخاطر مطالبات دمکراتیک و حقوق ملی، مبارزه بی امان خود را علیه استعمار، ارتجاع و فئودالیزم، از راههای صلح آمیز و مسلحانه بدون وقفه ادامه داده است. این مبارزات، شعور سیاسی و طبقاتی خلق کرد را تعمیق بخشیده و پیوند آنان را با توده های مبارز خلق هرب و اقلیتهای ملی مستحکم کرده است. کردها، دریافته اند که منافع ملی و رهایی بخش اهداف دمکراتیک آنان بطور کامل با اهداف انقلاب دمکراتیک مطابقت میکند.

نظر به این واقعیات، لازم است "پایه ها و مبادی" خودمختاری را روشن نماییم تا بتوانیم کوشش احزاب ملی بورژوازی هرب بمنظور تهی کردن آن از مضمون دمکراتیک را، بی اثر کنیم. این مبادی بقرار زیر اند:

۱- مشخص نمودن مرزهای جغرافیائی منطقه خودمختار کردستان، بر اساس مناطقی که کردها اکثریت ساکنین اثر تشکیل میدهند.

۲- انتخاب یک شورای قانونگزاری برابر اصول آزادیهای دمکراتیک بنوعی که "قدرت اجرائی" (رهبری) نیز از آن نشأت گرفته در مقابل آن مسئول باشد.

۳- رسیدن اقلیت های ملی ساکن کردستان به حق اداره امور داخلی (محلی) و نیز حقوق فرهنگی ملی خودشان.

۴- تشکیل یک شورا جهت رسیدگی به امور ملیت ها. چنین شورائی باید از شمار مساوی هرب و کرد ترکیب و برای هریک از اقلیتهای ملی نیز یک نماینده در نظر گرفته شده باشد. وظیفه آن رسیدگی به اختلافات احتمالی ای خواهد بود که ممکن است بین گروه اتونومی و دسته مرکزی بوجود بیاید. مثلا اختلاف نظر بر سر اداره یکسان امور مربوط به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوبات این شورا باید قابلیت اجرا داشته باشد.

۵- عضویت خلق کرد در مراکز اصلی قوه مقننه و حضور در قوه مجریه برابر نسبت ساکنین کردستان به کل جمعیت عراق.

۶- در روشنائی این مبادی یک قانون دمکراتیک برای خودمختاری منطقه کردستان تهیه و ماده ویژه ای در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک عراق گنجانده شود که طی آن مساله کرد، خودمختاری و پایه های اساسی آن، بصراحت بیان گردد. این قانون، باید به تصویب شورای ملی عراق نیز برسد.

بنیاد رژیم دمکراتیک در کشور و استقرار خودمختاری حقیقی در کردستان یک کاسه شدن و هماهنگی کوشش ها و فعالیت ها را چه در کشور و

چه در کردستان ایجاب می نماید و از آنجائیکه هم اکنون یک برنامه همکاری میان نیروهای میهنی عراق، بین احزاب عراقی و کردستانی وجود دارد که در جبهه "جود" (۵) تجسم همی یافته است، لذا در شرایط حاضر، یک ضرورت دیگر یعنی ایجاد یک "جبهه کردستانی" از احزاب و سازمانهای فعال کردستان در دستور کار قرار دارد. جبهه ای که باید مجمع قانونگذار و گروه اجرائی ناحیه خودمختار را مشترکا رهبری نماید. زیرا موفقیت و تکامل خودمختاری و تعمیق مضامین اجتماعی آن و توسعه اقتصادی کردستان به ثابته بخشی از مفهوم ایجاد دمکراسی در عراق و همچنین تکامل محتوای اجتماعی آن در گرو تشکیل این جبهه است.

تحقق اهداف رهایی بخش خلق کرد و وظایف خودمختاری که مستلزم تشکیل یک جبهه کردستانی به ثابته بخشی از جبهه میهنی در کشور است بدون اتکا به توده های گسترده، مجز و آماده مردم جهت انجام این اهداف میسر نیست زیرا بدون توده های خلق و پیشگامان سیاسی که رهبری آن را به عهده دارند، نمیتوان از ظرفیت و توانائی برای استقرار خودمختاری و احقاق حقوق ملی خلق کرد سخن گفت. در آن صورت لازم است نحوه تلقی خود را از این "جبهه کردستانی" روشن نماییم:

مقدمتا یادآوری میکنیم که جامعه کردستان، مانند هر جامعه طبقاتی دیگر، چندین طبقه اجتماعی را شامل میشود و گروهی از احزاب مختلف سیاسی آنها را نمایندگی می کنند که در زمان واحد، آماج ها و منافع "هم مشترک" و "هم مختلف" دارند. این بدان معنی نیست که همه طبقات خلق کرد، در منافع و اهداف خود وحدت دارند زیرا طبقه ای هست که تاریخ، حکم نابودی آن را صادر کرده است. مثل فئودال ها، از طرف دیگر گروه کارگران و کشاورزان و زحمتکشان و بورژوازی خرد و فیرکمپرادور کرد، منافع و اهداف گونه گونی دارند، اما در همین حال در نقطه تلاقی چندین آماج همومی و اساسی به یکدیگر میرسند: مثل "برقراری خودمختاری" و "پیشرفت کردستان در مسیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" و نیز "تعیین به اجرا حق تعیین سرنوشت در چهار چوب یک دولت چندملیتی".

اگرچه هریک از این احزاب، برنامه و ایدئولوژی خاص خود را دارد و از طریق تبلیغ و ترویج و نیز تشکیل ارگانهای خود در میان توده مردم و کوشش برای جلب آنها، خواهد کوشید تا مردم را حول برنامه های خود بسیج کند، اما در همین حال یک سری آماج های ملی و اجتماعی مشترک نیز وجود دارند که احزاب گونه گون در آنها وجه مشترک دارند و نظر به همین واقعیت، لازم است بین آنان پیمان مشترکی بسته شود تا بتوانند یک برنامه مبارزاتی مشترک را بر پایه مبادی دمکراتیک و آزادیخواهانه اجرا و هموم احزاب، سرشار از روح همکاری و احساس همی مسئولیت نسبت به مساله خواسته های خلق، در راه آنان کوشا باشند.

وفاداری و هلاقمندی نسبت به اهداف خلق کرد و در راس آنها، دمکراسی که بمعنی استقرار

کدام «خودمختاری»؟؟؟

بقیه از صفحه ۱۳

خودمختاری و انجام آن طبق مبادی بنیادین مورد اشاره است ایجاب می‌نماید که مسائل واحد و مشترک، مقدم بر تناقضات و اختلافات قرار گیرند و بهمین دلیل ضروری است «جبهه کردستانی» مورد نظر، نه یک جبهه ملی منزوی، بلکه برعکس، بخشی از جبهه دمکراتیک - میهنی کشور و در چهار چوب آن باشد تنها همین امر است که وحدت مبارزاتی خلق‌های عرب و کرد و اقلیت‌های ملی را تضمین و زمینه را برای پیروزی و تحقق اساسی‌ترین و دمکراتیک‌ترین اهداف، در جهات گونه‌گون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌نماید.

این جبهه نیز مانند جبهه میهنی - دمکراتیک کشور، برای اجرا و تحکیم و تکامل خودمختاری ضروری است تا از طریق آن بتوان همه کوششها را متوجه مقابله با بقایای عقب ماندگی ناشی از حکومت دیکتاتوری - شوونیستی بر کشور نمود. بدیهی است که نباید از زاویه دستاوردها و موفقیت‌های محدود یک قشر یا طبقه اجتماعی مشخص، یا از دیدگاه منافع یک پیشاهنگ سیاسی خاص به این جبهه نگریست. چون جبهه، کالائی نیست که در بازار مکاره عرضه شود بلکه، پروسه انقلابی پیچیده است که تکامل آگاهی طبقاتی و سیاسی طبقات و انتشار اجتماعی مختلف و احزاب سیاسی آنها و کوشش آنان برای آماج‌های اساسی مشترک (یعنی اهداف اکثریت مردم بجز نیروهای ارتجاعی که دشمنان این اهداف بشمار می‌روند) را بازتاب می‌بخشد.

تجربیات وسیع جنبش ملی کرد، این حقیقت را تایید میکند که ممکن نیست جنبش دمکراتیک ملی کرد را بتوان تنها از جانب یک حزب یا تشکیلات سیاسی معین و یا از راه زور، تحمیل، ترور و کشتار یکدیگر رهبری نمود. این کار تنها از طریق نیروی تمثیل واقعیات و انهم با ارائه شعارهای سیاسی و شیوه‌های راستین کار و از طریق وحدت و تشریک مساعی احزاب در درون جنبش توده‌های مردم و آموختن از آن و حرکت در پیشاپیش آن و متکی بودن به اراده آن میسر است و بدیهی است که برنامه‌های آن هم نباید چیزی جز بازتاب خواستها و اهداف اکثریت خلق زحمتکش باشد. توده‌های خلق، در پروسه تکامل مبارزه انقلابی خود، به جانبی سمتگیری خواهند کرد که امکان و توان رهبری آنان را داشته باشد.

سیاست تحدید هر صه و تحمیل خویش بر توده‌های مردم، تقسیم میدان مبارزه به نواحی نفوذ و سلطه و برپا کردن جنگ خونین به منظور منع احزاب و عناصر دیگر از کار در میان توده‌های مردم، سیاست بی‌سرانجامی است که با همکاری مشترک در راه اهداف مشترک تضاد کامل دارد.

حزب، همیشه کوشش بمنظور «تحمیل خویش بر هر صه سیاسی» را مردود شمرده و از جهات سیاسی و عقیدتی علیه آنها عمل کرده است. حزب، کوشیده است، تقلای کینه‌توزانه‌ای را که متوجه نقطه پایان نهادن بر نقش حزب شیوهی (حزب کمونیست) در هر صه کردستان بوده، بی‌اثر سازد و در این مساعی، از

نظرگاه منافع توده‌های ملی زحمتکش، کار کردن در راه آن و از دیدگاه اخلاص نسبت به خلق و مبادی و پایه‌های همکاری بمنظور تحقق این منافع، عمل کرده است.

حزب، معتقد است که ضرورت دارد هموم احزاب و سازمانهای ضد دیکتاتوری در کردستان و قبل از همه حزب کمونیست عراق سازمان کردستان حزب شیوهی و نیز نمایندگان مراکز دمکراتیک دانشجویان، جوانان، زنان و فرهنگیان و نمایندگان اقلیت‌های ملی در منطقه، همگی باید در «جبهه کردستانی» شرکت کنند. بخاطر اینکه این جبهه متکی به اهداف و مضمون میهنی - دمکراتیک خویش، بتواند آماج‌های خود را همگی سازد، باید از طرح شعار انزواطلبانه «چپ» و کوشش برای جدا کردن جنبش کرداز جنبش دمکراتیک و متحدین حقیقی آن و برقراری پیوند با دشمنان خلق کرد، از امپریالیسم گرفته تا نیروهای ارتجاعی، خودداری کند. زیرا آنان همچنان در کوشش خود بمنظور نفوذ در جنبش‌های بخش ملی خلق کرد با هدف تخریب و دور کردن آن از آماج‌های حقیقی و متحدین اساسی، پیرجاستند.

حزب ما، از ابتدا تاکنون، نقش چشمگیر، برجسته و پیشگامی در مبارزات خلق کرد و جنبش‌های بخش خلق داشته است. تاریخ حزب، و مواضع و قربانیهای بسیار گرانبهای آن در راه مبارزات برحق خلق کرد روشن است. ما، فیراز گواهی توده‌های خلق که خیلی زود کمونیست‌ها را شناخته و با آنان اعتماد کرده‌اند، نیازی به هیچ گواه و شاهد دیگری نمی‌بینیم.

حزب، معتقد است که یک جبهه کردستانی از این نوع، مورد پشتیبانی و همکاری خلق کرد قرار خواهد گرفت و نیروهای میهنی و دمکراتیک سراسر کشور و در راس آنها، حزب شیوهی از آن حمایت خواهند کرد. جبهه‌ای فیراز این جبهه، منزوی و گوشه‌گیر خواهد بود و تضادهای درونی، آنرا از همان نخستین روز تشکیل، تو خالی و سرانجام نابود خواهند کرد، که در آن صورت به رادعی در مسیر تحقق اهداف خلق کرد بدل شده، زبانه‌های مرگباری به جنبش‌های بخش ملی وارد خواهد کرد.

در پروسه مبارزاتی ملتها برای تحقق آماج‌های بلندشان، راه جبهه‌های میهنی، راه تجربه شده است. جبهه، یک شیوه درست برای بسیج نیروهای مبارز مردم و آماده سازی ارتش سیاسی بمنظور جنگ با دشمن نیز هست. فهم و درک این حقایق، نشان‌دهنده شعور همیق سیاسی احزاب و سازمانهایی است که در راه اهداف خلق و میهن پیکار میکنند و سند درک مسئولیت خطیری است که بعهده آنان واگذار شده است.

این درک و آگاهی همیق سیاسی نیز باید همزمان و همعنان با نرمش سیاسی کامل باشد، بدانگونه که سطح خواسته‌های قشری و حزبی تنگ نظرانه و برنامه‌های ویژه، در قبال آن اهداف سیاسی که مورد توافق همه طرفها قرار میگیرد پائین آورده شود تا همه سازمانها نیروهای خود را برای کار مشترک متحد سازند. طبیعی است که اینرا نباید به مفهوم منع این یا آن عضو جبهه از ایدئولوژی و تشکیلات مستقل یا آزادی کار و تبلیغ برای برنامه‌های ویژه و سیاستهای خویش تلقی کرد. راههای گوناگونی که جنبش‌های

بخش ملی خلق کرد تجربه کرده است، اهمیت، ارزش و ضرورت تشکیل یک جبهه میهنی در کشور را تایید می‌نماید. در شرایط سیاسی امروز هم فوریت و هم ضرورت دارد که احزاب و سازمانهای کردستان عراق، بدون در نظر گرفتن حجم و میزان تاثیرشان، با ترک کوشمکش بر سر مسائل فرهی مورد اختلاف و منع درگیری مسلحانه در میان شاخه‌های جنبش و با کنار نهادن تفکر سیاسی «منطقه محدود» برای فعالیت، و نیز احیا و فعال نمودن مفهوم «مبارزه مشترک» در میان احزاب عراقی و احترام به عقاید و آزادی فکر و انتخاب برای هموم هم میهنان، بدون فشار و اجبار، برای ایجاد یک فضای مثبت و ایجاد جبهه مشترک مبارزاتی، همکاری نمایند.

همچنین لازم است پایه‌های «همبستگی برادرانه رزمجویانه در میان عرب و کرد و اقلیت‌های ملی» که در طول تاریخ مبارزه خلق عراق، یکی از عوامل پیروزی بر رژیم‌ها و دولتهای ارتجاعی و شوونیستی بوده است، تحکیم شود. هر حزبی از احزاب کردستان که سیاست و پراتیک آن از پاسخدهی به چنین ضرورتی دور بماند، خود را گوشه‌گیر، منزوی و جدا از توده‌های خلق و خواسته‌های انقلابی برحق آنان خواهد دید.

توضیحات:

۱- پیمان سایکس پیکو: روز ۹ مارس ۱۹۱۶ بین مارک سایکس نماینده دولت انگلیس و ژرژ پیکو نماینده دولت فرانسه امضا و بعداً به تایید روسیه تزاری هم رسید. بموجب این پیمان همه سرزمین‌های عربی و کردستان شمالی و ارمنستان غربی بین این سه دولت استعماری تقسیم شد. مفاد پیمان از جانب دولت سوسیالیستی شوروی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اکتر افشا گردید.

۲- یکی از مجموعه ۵ پیمان دولتهای غالب، پس از جنگ جهانی اول که با آلمان و عثمانی منعقد شد پیمان سور (Sever) بود. این پیمان در سال ۱۹۲۰ توسط دولت قسطنطنیه (سلطان محمد) با امضا رسید ولی بار د آن از طرف دولت آنکارا (ترکهای جوان به رهبری اتاتورک) همایه اجرا در نیامد و پیمان لوزان (۱۹۲۳) جای آنرا گرفت. بموجب پیمان سور عراق، فلسطین، سوریه و حجاز از کشور عثمانی منفک و تحت قیومیت انگلیس و فرانسه درآمد. در این پیمان وعده استقلال ارمنستان و نیز تشکیل یک دولت برای کردها در نظر گرفته شده بود.

۳- حکومت موقت عراق در آوریل ۱۹۳۰ تشکیل گردید ولی آنچه اصطلاحاً «استقلال» عراق نامیده میشود، چهارم مارس ۱۹۳۴ است.

۴- «جمهوری ترکیه» بریاست کمال اتاتورک در سال ۱۹۲۳ تشکیل گردید.

۵- «جود» مختصر شده عبارت: «الجبهه الوطنیه الدیمقراطیه» می‌باشد. جبهه جود در سال ۱۹۸۰ بین ۷ حزب ائتلافی زیر تشکیل و تاکنون ادامه دارد: حزب کمونیست عراق، پارت دمکرات کردستان عراق (بارزانی‌ها)، حزب سوسیالیست عراق، حزب سوسیالیست کردستان عراق، پارت سوسیالیست کردی (پاسوک)، پارت خلق دمکرات کردستان عراق و بالاخره «گروه دمکراتهای عراق».

ریاست دوره‌ای غیر متعهدا به یوگوسلاوی واگذار شد

در شامگاه روز شنبه ۱۵ سپتامبر اجلاس وزرای خارجه کشورهای غیرمتعهد در نیکوزیا پایتخت قبرس پایان یافت. در این اجلاس یوگوسلاوی برای یک دوره سه ساله به ریاست کشورهای غیرمتعهد برگزیده شد. در دوره قبل، ریاست غیرمتعهدا بر عهده کشور زیمبابوه بود.

در بیانیه پایانی کنفرانس وزرای خارجه کشورهای غیرمتعهد از دولتهای اسرائیل و آفریقای جنوبی به شدت انتقاد شد. در بیانیه خواسته شد که هرچه زودتر کنفرانس صلح خاورمیانه با شرکت سازمان آزادی بخش فلسطین برگزار شود. در این بیانیه از پیشرفت مذاکرات برای حل مساله کامبوچیا ابراز خرسندی شد و همچنین از دولتهای پاکستان و افغانستان درخواست گردید از طریق مذاکره برای حل اختلافات خوددکو شوند.

اعلام آمادگی عرفات برای مذاکره با اسرائیل

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) که به دعوت فراکسیون سوسیال دموکرات پارلمان اروپا هفته گذشته به استراسبورگ متراین پارلمان سفر کرده بود، در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که حاضر به مذاکره مستقیم با دولت اسرائیل است. وی گفت: "من آمادهم با هر نماینده‌ای از دولت اسرائیل در سازمان ملل متحد وارد مذاکره شوم. ما برای انجام این مذاکره هیچ شرطی نمی گذاریم."

به گفته عرفات، تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در مناطق اشغالی در دستور کار مقدم "ساف" قرار داد. پس از این که اردن از کرانه غربی چشم پوشی کرد، در "ساف" دو امکان مورد بحث قرار گرفت: ۱ - نهادن مناطق اشغالی تحت قیمومیت سازمان ملل متحد پس

از عقب نشینی اسرائیل و پیش از تشکیل یک دولت فلسطینی ۲ - تشکیل یک دولت موقت در تبعید از هم اکنون و پیش از خروج اسرائیل تحت رهبری "ساف". عرفات در مصاحبه مطبوعاتی خود پس از توضیح این دو شق افزود شورای ملی فلسطین که یک پارلمان در تبعید است در ماه اکتبر در الجزیره تشکیل جلسه خواهد داد و در این مورد که چه شقی برگزیده شود تصمیم گیری خواهد کرد. عرفات در سخنرانی خود در برابر فراکسیون سوسیال دموکرات پارلمان اروپا در توضیح چگونگی نظام سیاسی در یک دولت مستقل فلسطینی گفت: "ما می کوشیم در سرزمین هایی که از اشغال اسرائیل رهایی می یابند، یک دولت مستقل فلسطینی تشکیل دهیم. نظام سیاسی این دولت جمهوری، دموکراتیک و چند حزبی خواهد بود."

به گفته عرفات، تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در مناطق اشغالی در دستور کار مقدم "ساف" قرار داد. پس از این که اردن از کرانه غربی چشم پوشی کرد، در "ساف" دو امکان مورد بحث قرار گرفت: ۱ - نهادن مناطق اشغالی تحت قیمومیت سازمان ملل متحد پس

ساندینیست ها و کنتراها مذاکره خود را از سر می گیرند

دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه به کنتراها (نیروهایی ضد انقلابی تحت حمایت آمریکا) پیشنهاد کرد که مذاکرات با دولت نیکاراگوئه را از سر گیرند. وی پیشنهاد کرد که در روزهای ۱۹ و ۲۰ سپتامبر در گواتمالا مذاکره‌ای صورت گیرد تا زمینه انجام مذاکرات بعدی برای آتش بس کامل را فراهم سازد. کنتراها باین پیشنهاد موافقت کردند.

رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا مصر است که کمک ایالات متحده به کنتراها ادامه یابد. به گفته سخنگوی کاخ سفید ریگان در گفتگو با نمایندگان کنگره آمریکا تاکید کرده است که ایالات متحده باید "به هر قیمت که شده" بر تداوم کمک نظامی به کنتراها پافشاری کند. لازم به یادآوری است که سنای آمریکا دو ماه پیش تصویب کرد که ۲۷ میلیون دلار دیگر به کنتراها "کمک انسانی" رسانده شود.

از میان دیگر رویدادها

از عقب نشینی اسرائیل و پیش از تشکیل یک دولت فلسطینی ۲ - تشکیل یک دولت موقت در تبعید از هم اکنون و پیش از خروج اسرائیل تحت رهبری "ساف". عرفات در مصاحبه مطبوعاتی خود پس از توضیح این دو شق افزود شورای ملی فلسطین که یک پارلمان در تبعید است در ماه اکتبر در الجزیره تشکیل جلسه خواهد داد و در این مورد که چه شقی برگزیده شود تصمیم گیری خواهد کرد. عرفات در سخنرانی خود در برابر فراکسیون سوسیال دموکرات پارلمان اروپا در توضیح چگونگی نظام سیاسی در یک دولت مستقل فلسطینی گفت: "ما می کوشیم در سرزمین هایی که از اشغال اسرائیل رهایی می یابند، یک دولت مستقل فلسطینی تشکیل دهیم. نظام سیاسی این دولت جمهوری، دموکراتیک و چند حزبی خواهد بود."

ادامه مذاکرات دولت لهستان با "زوالیدارنوش"

در هفته گذشته وزیر کشور لهستان، چسلاک کیسچاک دوبار با لخ والسار رهبر سندیکای غیر قانونی "مهبستگی" (زوالیدارنوش) دیدار کرد. در هر دو دیدار والسا جمعی از مشاوران خود را به همراه آورده بود در دیدار دوم که در روز جمعه ۱۶ سپتامبر صورت گرفت نمایندگان از شورای مرکزی سندیکاهای لهستان نیز حضور داشتند هدف از این دیدارها تدارک مذاکراتی است که شرکت در میزگرد دهنوان گرفته است. در "میزگرد" ها قرار است در مورد آینده "زوالیدارنوش"، نظام سندیکایی در لهستان و انجام اصلاحاتی در نظام سیاسی کشور بحث و گفتگو شود. در این "میزگردها" و مذاکرات تدارکاتی آنها نمایندگان کلیسای کاتولیک نیز شرکت می کنند. هر دو طرف مذاکره کننده، مذاکرات تاکنون صورت گرفته را مثبت ارزیابی کرده اند.

چاپ تازه‌ای از مجموعه آثار لنین

روزنامه پراوا در شماره ۱۰ سپتامبر خود خبر داده است که به زودی چاپ تازه‌ای از مجموعه آثار لنین ارائه خواهد شد. به نوشته پراوا دا مجموعه‌های ۵۵ جلدی موجود کامل نیست و از آنجایی که سندهای انتشار نیافته‌ای از لنین موجود است، لازم است این سندها به آثار تاکنون انتشار یافته افزوده شوند. بدین جهت چاپ تازه‌ای از مجموعه آثار لنین ضرورت یافته است.

امریکا مخالف انعقاد قرار داد منع تولید سلاح‌های شیمیایی

اکنون ۱۷ سال است که در ژنو مذاکره بر سر منع تولید و نگهداری سلاح‌های شیمیایی جریان دارد. در روز چهارشنبه هفته گذشته (۱۴ سپتامبر) می‌کس کامپلن سرپرست هیات نمایندگی آمریکا در مذاکرات خلع سلاح ژنو، رسیدن به یک توافق بر سر منع تولید سلاح‌های شیمیایی را "بی فایده" دانست، چرا که به زعم او منع تولید سلاح‌های شیمیایی، امری قابل کنترل نیست. اعلام مخالفت دولت آمریکا با انعقاد قراردادی در زمینه خلع سلاح شیمیایی، در شرایطی صورت می‌گیرد که جهانیان خاصه پس از جنگ ایران و عراق به ابعاد فاجعه آمیز بودن سلاح‌های شیمیایی، بیشتر واقف شده اند.

از میان دیگر رویدادها

* پرنس سیهانوک رهبر ائتلاف مخالف دولت کامبوچیا اعلام کرد که "خمرهای سرخ" پولپوت همچنان به جنایات خود ادامه می دهند. به گفته سیهانوک طرفداران پولپوت دو هفته پیش عده کثیری را در یک اردوگاه پناهندگان در تایلند به قتل رسانده اند. مقتولین از طرفداران سیهانوک بوده اند.

* حزب کمونیست پرتغال طرح برنامه جدیدی را به بحث گذاشته که قرار است در کنگره حزب که در ماه دسامبر برگزار خواهد شد، به تصویب برسد. در روزهای ۹ تا ۱۱ آوریل "آوانته" ارگان حزب کمونیست پرتغال جشن مطبوعاتی سالانه خود را برگزار کرد که در آن ۱۰۰ هزار نفر شرکت جستند.

* رادیو ونسره موس گزارش کرد که در تعاجم وسیع هفته گذشته انقلابیون جبهه آزادی بخش فارابوندو مارتی در السالوادور، ۱۶۰۰ مزدور رژیم دوارته به هلاکت رسیده اند. در دو هفته گذشته حملات اف.ام.ال.ان. به مراکز استقرار نیروهای سرکوبگر دوارته شدت گرفته است.

* به نوشته روزنامه پراوا در تاریخ ۱۶ سپتامبر، به دلیل تداوم ناآرامی ها در جمهوری ارمنستان، حزب کمونیست ارمنستان سال آینده یک کنگره فوق العاده برگزار خواهد کرد که در آن در مورد ترکیب کمیته مرکزی این حزب تجدیدنظر شده و عناصر مفسده انگیز از صفوف حزب طرد خواهند شد.

مخالفت با طرح تازه حزب حاکم در برمه

حزب موسوم به برنامه سوسیالیستی در برمه که حزب حاکم و تنها حزب قانونی کشور است در کنگره فوق العاده خود زیر فشار جنبش توده‌ای پذیرفت که نظام تک حزبی ملفی شود و انتخابات تازه‌ای در کشور صورت گیرد. حزب حاکم انجام انتخابات را به سه ماه بعد موکول کرده است. این رفرم مورد پذیرش اپوزیسیون قرار نگرفت. اپوزیسیون مخالف برگزاری انتخابات در تحت حکومت فعلی است و خواهان آن است که دولت فعلی کنار رود، یک دولت موقت تشکیل شود و سپس انتخابات صورت گیرد. در برمه تظاهرات و اعتصاب همچنان ادامه دارد. دانشجویان و راهبان بودایی سازماندهان اصلی تظاهرات هستند. بخش دیگری از دیپلماتهای خارجی در هفته گذشته به دلیل تارامی اوضاع برمه، از این کشور خارج شدند.

پرتاب موشک به سوی هواپیمای مسافربری ایران يك جنايت عمدی بوده است

موجب آن گشته است که هواپیمای مسافربری، یک جنگنده نظامی مهاجم پنداشته شود.

اما اکنون روشن شده است که در سرنوشتی هواپیمای مسافربری پای "خطای انسانی" هم در میان نبوده. در روز ۹ سپتامبر ناخدا ویلیام فاگرتی در برابر کمیته نظامی سنای آمریکا نتایج تحقیق خود بر روی این فاجعه را ارائه داد. به گفته این مقام نظامی، یکی از افسران رزمناو "وینسنس" پیش از این که راجرز فرمانده رزمناو فرمان شلیک به سوی هواپیما را دهد، به وی هشدار داده است که هواپیمای ظاهر شده بر روی رادار، یک هواپیمای مسافربری است. راجرز در تحقیقاتی که از او به عمل آمده، به این امر اعتراف کرده، اما گفته است اساس کار را بر روی مهاجم بودن هواپیما نهادم و پس از مشورت با مرکز فرماندهی فرمان شلیک به سمت آن را صادر کردم. این جنایت عمدی که موجب قربانی شدن جان ۲۹۰ نفر انسان بی گناه شد مستوجب چه مجازاتی از سوی دولت آمریکا شده است؟ هیچ. به راجرز فقط یک تذکره داده شد و این تنبیه بسیار ملایم حتی در پرونده وی ثبت نگردید.

در صبح روز یکشنبه ۱۲ تیر یک هواپیمای مسافربری "ایران ایر" که از بندرعباس به مقصد دبی به پرواز درآمده بود، مورد اصابت دو موشک شلیک شده از رزمناو آمریکایی "وینسنس" قرار گرفت و تکه تکه شد. بر اثر این جنایت همه ۲۹۰ سرنشین هواپیما کشته شدند.

دولت آمریکا در توضیح این فاجعه به تناقض گویی های مکرر افتاد. ابتدا اعلام شد که هواپیما در مسیر مقرر بین المللی پرواز نمی کرده و فرمانده رزمناو تغییر زاویه پرواز هواپیمای ظاهر شده بر روی رادار را به مثابه یک تهدید نظامی ارزیابی کرده و فرمان شلیک به روی آن را داده است. همچنین گفته شد که هدف شلیک دو موشک نه این هواپیما، بلکه هواپیمای فانتوم بوده است. دولت آمریکا تقصیر فاجعه را به گردن رادار رزمناو هم انداخت ولی پس از مدتی برای این که مبادا تکنولوژی تسلیحاتی آمریکا خطا پذیر شناخته شود، اعلام کرد که دستگاهها کار خود را خوب انجام داده اند و یک خطای انسانی در ارزیابی از اطلاعات ارائه شده به توسط دستگاه ردیابی الکترونیک فوق مدرن رزمناو،

فریادی به رنگ آتش

مهرداد ایمن، مهاجر آزاده ایرانی در برابر مقر سازمان ملل در نیویورک ایستاده است. گلگونه های خشم بر سیمایش شکفته اند. در جان هاشمکش توغان شعله ور است. درد بزرگ مردم بر قلبش سنگینی می کند. صف زندانیان سیاسی را می بیند که سمرگهان سرودخوانان به سوی جوشه های اعدام می روند. آخرین فریاد، آخرین پیام: مرگ بر خمینی! زنده باد صلح! زنده باد آزادی!

چنان باید این فریادها را بشنود! مهرداد چنین می اندیشد. جهان باید بیاری این فریادگران بشنابد!

بدروید ای زندگی، بدروید ای زندگی، زنده باد صلح! زنده باد آزادی!

اوج گیری جنبش توده های درشیلی در سالگرد کودتای پینوشه

آمدند و تنگ ها و درند پر شده از باروت به این سرزمین، و فرمان دادند، فرمان یک انهدام سنگین و خلقی را یافتند که سرود می خواند، و خلقی را یافتند که احساس و نیروی هشق متحدش می کرد و آن دوشیزه لاغر اندام، او نقش زمین شد پرچمش در دست.

و آن جوان خنده رو، او نیز در کنارش افتاد زخم دار، و مردم، وحشت زده، دیدند مردگان را که می افتادند باخشم و با درد.

پس خم شدند آنجا که کشتگان فرو افتادند بابر چمهایی به خون رنگین شده تابیرق ها را بار دیگر به ضد قاتلان بالا بردند.

"پابلو نرودا"

... و خلق شیلی در هفته گذشته، در پانزدهمین سالگرد کودتای پینوشه، در سالگرد روزی که فرمان آن "انهدام سنگین" را دادند، این پرچم ها را بالاتر برافراشت. در روز شنبه ۱۰ سپتامبر ۱۰ هزار نفر بنابر فراخوان "چپ متحد" که در برگیرنده هفت سازمان انقلابی چپ از جمله حزب کمونیست، میر و حزب سوسیالیست است در محله کارگری سانتیاگو دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان پر شور و پر خروش شعار می دادند که سرنگون باد رژیم پینوشه، در این تظاهرات خوزه سانفونیتس از رهبران حزب کمونیست شیلی طی یک سخنرانی ضمن تجلیل از خاطره سالوادور آلنده، خلق شیلی را فراخواند که در روز ۵ اکتبر در همه پرسی دیکتاتور، به رژیم "نه" گویند. در این تظاهرات هدهای از وزرا و همکاران نزدیک آلنده نیز که به تازگی به شیلی بازگشته اند، شرکت داشتند. آنتیبال پالما عضو رهبری حزب سوسیالیست و وزیر فرهنگ در دولت آلنده در سخنرانی خود در برابر تظاهر کنندگان وحدت چپ را ستود و بر اتحاد همه برای سرنوشتی پینوشه تاکید کرد.

بقیه در صفحه ۱۰

در این شماره

* پیشنهادهای تازه اتحاد شوروی

برای تشنج زدایی در شرق آسیا

در صفحه ۷

* کدام "خود مختاری"، و کدام "جبهه کردستانی"؟

رامی خواهیم؟ مقاله ای از حزب کمونیست عراق

در صفحه ۱۲

AKSARIYAT
NO. 225
MONDAY, 19 Sep '88

حساب بانکی

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید